

نامه
مردم

ازگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۶۱
یکشنبه ۲۷ مهر ۱۳۵۹ ق. به ۱۵۰ ریال

وحدت خلق در دفاع از میهن انقلابی

باید به وحدت متشکل همه نیروهای مدافع انقلاب ارتقاء یابد

سنگر واحد نبرد توده‌ها برای پیروزی ریشاندن انقلاب ایران علیه مزدور جبار امپریالیسم امریکه، محمد زسای ملعون، جای خود را به سنگر واحد دیگری در دفاع از میهن انقلابی داده است.

در حرکت جوشان و خروشان که برای سرنگونی قلمی نظام وابسته فئودالیسم و دیکتاتوری پهلوی پدید آمده نیروهای مردمی نه در پی توافق بر روی برنامه مشترک بلکه به جهت از یک توافق اعلام نشده آرزوی خلق، دست در

دست هم نهاده، صفا را درهم نشردند و چون بیکر واحد سینه خود را آماج سلاحهای آتشزای ارتش محمدرضا شاه قرار دادند، زند و خوردند، کشتند و کشته شدند و سرانجام پیروزی بقیه در صفا ۸

«میزان»
نامیزان
این صدای
لیبرالیسم ناب
ایرانی است

★ انقلاب همه چیز را از بین و بن تغییر داده، اما لیبرالیسم میخوانند فقط یک چیز را! تغییر دهند: خود انقلابی را...
★ و اهمیت حیاتی مبارزه با لیبرالیسم و افشای نقش روزنامه‌سینان و میزانشا در همین نکته خطیر است...
صفحات ۲ و ۳

نخست وزیر در سازمان ملل متحد:

ما از پشت این تریبون به مردم جهان اعلام می کنیم که تجاوز نظامی عراق را بخشی از توطئه‌های پیاپی استکبار جهانی، بسر کردگی آمریکاعلیه انقلابمان میدانیم

بیش از یکبار دانش آموزان مردم غیر نظامی، کشته و زخمی شدند، ارتش بعث عراق که از انسانیت پروری نبرده است، حتی اگر چند لفظهای بی‌پیکار از مناطق مسکونی کشورمان دست یابند از هیچگونه جنایتی فروگذار نمی‌کند، منازل را غارت و حتی در بعضی نقاط بشرمانه به زنان ما نیز تجاوز کرده‌اند، افراد غیر نظامی را که نشان از ۱۸ سال بالاتر است به عنوان اسرای جنگی با خود می‌برند و آنان را به همراه دیگر اسیران جنگی شکنجه داده و بقتل میرسانند.

۳۰ کوهک مجروح کتر از ۶ ماه راکه هم اکنون در بیمارستان این شهر بستری هستند، دیدم، ارتش صدام حسین به پنهان‌های واهی که بنش است حتی گفته شود بدون پناه به خاک ما تجاوز کرده، مراکز تولیدی و اقتصادی و بخصوص مناطق مسکونی از جمله بیمارستانها و مراکز آموزشی را منهدم می‌نماید و مردم بیگناه ما را به قتل می‌رساند، دنیا باید بداند ارتش فریب خورده صدام به هیچ چیز رحم نمی‌کند و خطراتی که به ملت هیتلر را دوباره در یادها زنده کرده است، صدام برای ادامه چند روز بیشتر حکومت واپسته خود از ۱۷ لشکر و با متجاوز از ۷۰۰۰۰ تانک و صدها هواپیمای جنگی و جنگ افزارهای فراوان دیگر به مردم کشور ما که دوران بازسازی جمهوری اسلامی را شروع کرده‌اند سیهانه حمله ور شده است، دیروز در هواپیما مطلع شدیم که در کرمانشاه درائی مبارزان دستان و بیرونستان، دانشگاه و بیمارستان این شهر

آقای محمدمعلی رجایی نخست وزیر به تاریخ ۲۶ مه‌رمه ۵۹ در جلسه شورای امنیت راجع به جنگ ایران و عراق شرکت کرد. جنگ در سخنرانی مفصل خود از جمله گفت:

مادرشراپای بی‌پانجا آمده‌ام که کشورمان در میان آتش جنگ برافروخته از دولت بعثتو نامردمی عراق می‌سوزد و نیز در شراپای هستیم که واقعه زلزله الجزایر بنوبه خود مردم و امام باران سخت اندوگین ساخته و بسیار متأسفیم که به ملت شراپای جنگ آوریم که باید (نمی‌توانیم) در جهت بر آوردن نیازهای مردم برآورد و مسلمان آنچه اقدام نماییم، من دیروز مستقیماً از جبهه جنگ آذربایجانجا شدم. کشته‌ها و مجروحینی را که دیدن آنها دلهر انسانی را به در می‌آورد، چشم خود نظاره کردم، موشکهای ۹ شری زمین به زمین که به شهر دزفول پرتاب شده قسمت اعظم شهر را بر سر مردم شریف و قهرمان آذربایجان خراب کرده است در دزفول متجاوز از

بمناسبت شهادت رفقای قهرمان توده‌ای در سنگر نبرد برای دفاع از میهن انقلابی

اتحادی که با خون پیوند مییابد

ایران-شتم به دشمنی با اسلالم- با تمام توش و توان خود پاسدار این جمهوری و خط ضد امپریالیستی و خلقی آست، و بالاخره ظهور حقیقت را گشوده، بدانیم قدر این اتحاد و برادری انقلابی را، که خون توده‌ایهای پیروز سوسیالیسم علمی برادران و خواهران عزیز مسلمان ما را در سنگر دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی بهم پیوند میدهد، بدانیم و زیر رهبری امام خمینی - رهبر آشتی- ناپذیر انقلاب ایران - این اتحاد راه در راه تثبیت، تحکیم و گسترش انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران، گسست ناپذیر سازیم

سکوت و رکود، گورستان واقعیت‌هاست، و حرکت انقلاب، آن صور اسرائیلی است که حقیقت‌های مدفون را احیا می- سازد و محترمی بیابا میکند، انقلاب شکوهمند ایران، چون طوفانی بنیان کن، در مبین زجر کشیده ما همچنان در حال غریزند است، لایه‌های متحجر اباپیل چند هزار و چند صد ساله را بر می‌کند، انفس و اقوام را در گور کون می- سازد، ردایل قرون و اعصار را از ارواح زنده باید سیاست‌گزار این انقلاب بود که، خلق آسیر و تحقیر گفته ما در سایه آن می‌رود تا شخصیت و حیثیت انسانی خود را باز یابد.

با تشکیل کمیته‌های دفاع در کارخانه‌ها، خرابکارهای دشمن را خنثی کنیم

هیئت واگذاری زمین و روستاهای اطراف جاده قم - اصفهان

صفحه ۴
صفحه ۵

فقط در یک چنین محیط انقلابی بود که بسیاری از خنثایان اسکان طارو یافتند، و یکی از آنها واقعیت حزب توده ایران بود، سالیهای سادی تبلیغات و آموزش رژیم مستبدانه و متفوق پهلوی، حزب توده ایران را به متابسه دشمن اسلام و دشمن دین- معرفی میکرد و این اسفون طاقت، بسیاری و بسیاری از افراد صدیق و مبارز مسلمان را نیز مسحور و گمراه ساخته بود. ولی از همان لحظه‌ای که طوفان انقلاب پسرکت در آمد، مردم عادی کوچک و بازار و مسجد و مدرسه، هر روز در نهایت حیرت و تعجب بیشتر از دیروز متوجه شدند که سراسر تمام چه مخرقاتی را بخورد آنها داده‌اند و چه انکار و تضاد- های غیر عادلانه‌ای را به آنها

پیام تسلیت کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته مرکزی حزب کمونیست ایتالیا بمناسبت درگذشت رفیق لویجی لونگو

رفقای گرامی!
از خبر درنگ در گذشت رفیق لویجی لونگو، صدر حزب کمونیست ایتالیا، آگاه و سخت غمگین شدیم. درگذشت رفیق لونگو، نه تنها ضایعه‌ای جبران ناپذیر برای حزب کمونیست ایتالیا بشمار میرود، بلکه جنبش بین المللی کمونیستی و کارگری را از یکی از برجسته ترین مبارزان و رهبران خود محروم میسازد. رفیق لونگو همواره در قلوب کمونیستهای ایران جای ویژه داشته است. وی پیوسته یکی از پیگیرترین مدافعان مبارزه ضد امپریالیستی و دمکراتیک خلق ما بوده و بارها با شوری بی همتا در کارزار هستیگی بین المللی و پشتیبانی نیروهای مترقی و دمکراتیک ایتالیا از یکبار دشوار ضد استبدادی و ضد

کمیته مرکزی حزب توده ایران، دبیر اول: نورالدین کاتوری
۱۳۵۹، ۷، ۳۶

نخست وزیر افزود:
«من صریحاً اعلام میکنم که ملت ما مصمم است حتی با تکیه کردن یک جنگ طولانی و مردمی نه تنها متجاوزین را سر می‌سازد و بنشاند، بلکه با این عمل خود ملت برآورد و مسلمان عراق را نیز به مایهت رژیم ضد مردمی و وابسته صدام، هر چه بیشتر آتش سازد و نیز جوانان دستان شکن به امپریالیسم امریکا دهد که مستقیم و غیره مستقیم به دولت بعث عراق کمک می‌نماید.

گزارش مردم و همچنین پسا متحرک کردن مستبشاهی را دار هدفهای غلط، به چنگنده‌های ما میدهند.
نخست وزیر گفت:
«ما از پشت این تریبون به مردم جهان اعلام میکنیم که متجاوز نظامی عراق را بخشی از توطئه‌های پیاپی استکبار جهانی بسر کردگی آمریکا علیه انقلابمان میدانیم و متجاوز عراق را تجاوز ظلم و کفر جهانی علیه انقلاب اسلامی خود دانسته و دست شیطان بزرگ و شیطانهای کوچک را در پس آن می‌بینیم.»

تحلیلی از گزارش نهایی «سیاست‌های توسعه و تکامل جمهوری اسلامی ایران»

برای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

«میزان» نامیزان

این صدای لیبرالیسم ناب ایرانی است

**انقلاب همه چیز را از بیخ و بن تغییر داده، اما لیبرالها میخواهند فقط یک چیز را تغییر دهند: خود انقلاب را ...
واهمیت حیاتی مبارزه با لیبرالیسم و افشای نقش روزنامه «میزان» و همین هادو همین نکته خطر است...**

نخستین انقلاب لیبی با انقلاب ایران سازگار نیست، چنین متحد و دوست هرگز ندارد ایران نمیخورد
اگر چه لحن و نحوه برداشت میزبان بیشتر دقت کنیم در وجود لیبی حتی میتوانیم دشمن چپاری برای خود بیابیم. پنهان انقلاب فلسطین که قبلاً زده شده بود با این پایگ که «میزان» پس از رویت لیبی میریزند، از این صداقت، احتمالاً جن یک «دژیم وابسته به شوروی» و همصفت چپانکارانی چون فرنیچیه، قائل امام موسس صدره و مسکوب کنند خوستنهای سخنان مردم لیبی چه باقی میماند! آیا چنین رژیم و کشور ناجوری در برخورد دوستی و اتحاد و همدلی انقلاب اسلامی ماست؟ میبینید که لیبرالیهای گنبد کار درس خود را خوب بلدند.

• میماند سوریه، از پایت متحد احتمالی هم نگران نباشید. «میزان» - چها مثل آنچه خودن و با یک ورد و آسودن ژورنالیستی از این دوستلیسی هم هیولای موحشی میسازند که، مورقن انقلاب ایران راست میکند، ملاحظه بفرمایید:

«نیکه و تمایل و همسویی سیاسی، اقتصادی، نظامی سوریه با لیبی و دوست شرقی از جانب جناح غالب در حیات حاکمه سوریه، باعث تشدید تعصبها و دولتی خود حیات حاکم نشده... و این گستاخ عرصه را بر نیروهای ملی و مستقل و اسلامی چاهمه تنگتر کرده...» (میزان، شماره ۱۹)

«میزان» میخواهد با زبان بریانی تلخین کند که حکومت سوریه نه ملی است، نه مستقلم نه اسلامی، اسام این رژیم عامل سرکوبنروهای ملی و مستقل و اسلامی است، سرره برارادهای در دست سیاست شرقی است و آیش با حکومت انقلاب ایران اسلامی هم یک جوری میورد.

با این روشها و کلیفاته، خواننده «میزان»، درحالیکه متقاعد شده که ما در عرصه دنیایی یکلی تک و تنها مانده ایم و درجهمان مطرود شده ایم، در ذهن خود پدیدال متحد مناسب برای ما میگردد.

«میزان» تبلیغاتی حساب حساب فلسطین و سوریه و لیبی و یمن دکراپتک و نظائر آنها رسیده است. این کشورها و صله های ناجوری هستند، سپا باید سرافرازدست را در جاهای دیگر گرفت. کشورها سخت سوسیالیستی چطورند؟ له، نه اسم آنها را هم نمیرود که لیبرالها سخت دلخور میشوند. عضاو اصلی لیبرالها با هر آن چیزی است که حتی برای سوسیالیسم واقعی میدهد. کافی است «میزان» را، که آینه تمامنای آراء و خواسته های لیبرالیسم ناب ایرانی است، ورق بزیند، تا زیر رنگبار برامان مقالات و گزارشها و اخبار سنخ شده، اختراعی و مشاطه شده ضد کونیستی و ضد شوروی آن خیس شود. این حتی عارف جنجالی ترین و مبتذلترین روزنامه های سوریه و یمن است. در مورد خیر نکذیب شده کنگ نظامی شوروی به داروسته سداح حسین، در جریان جنگ تجاوزگرا علیه ایران، «میزان» ۳۳ خیر و مظلوم در کتر از ۲۲ صفت داشته است. «میزان» در این باره حتی از شخوار تحریفات رادیو اسرائیل و مقامات صهیونیستی اینانکرده و با آیهوتاب این نقل و نباتهای صهیونیستی را به خورد خوانندگان خود میدهد.

«رادوی اسرائیل برای چندین بار گزارش داد چند گشتی روسی حامل تسلیحات و مهمات وارد بندر عقبه دروازه شده، لاپاری عراق اسلحه خالی کنند...» (میزان، شماره ۲۶)

«میزان» که برای آب و رنگ زدن و پخش خیرهای مطلوب «رادوی اسرائیل» و خیرگراییهای سراز با نمی شناسد، یازم برخلاف همه اصول و قواعد ژورنالیستی، تنها در شماره ۲۵ خود، خیر جعلی یاد شده را، با ۱۰۰ یتر جداگانه چاپ کرده است:

در سمنه اول با عنوان «گشتی های باری روسی مهمات خود را در بندر عقبه خالی میکنند» که از راه زمین به عراق وارد شده، در سمنه ۲، چه خیرهای مربوط به مجلس شورایی اسلامی و در سمنه ۸، با خیر روسیه با طریق ... و گویت پخرقی اسلحه میدهد و باز درجای دیگری از سمنه آخر، این خیر عین، به نقل از روزنامه القبی،

«میزان» یاد کار دست آدم میدهد. «میزان» در همان حال که «گشتی تسلیحات روسی» را در بندر عقبه تخلیه میکند، برای تسریع کار (۱) مقداری از این اسلحه را راه بندر پسر میفرستد:

«منابع اطلاعاتی ایران گزارش داده اند که یک گشتی روسی حامل اسلحه در بندر پسر پهلو گرفته است.» (میزان، شماره ۱۶)

ولی «منابع اطلاعاتی اختصاصی «میزان» که «گشتی های روسی را با کوس و گرتا به بندر پسر میفرستند» بلکنیز را فراموش میکنند و انتظار این «دژیم خلی» هم سیم است. آنها میدانند - یا خود را به ندانستن میزنند - که در آغاز جنگ ایران و عراق، هیچ گشتی از هیچ کشوری نتوانست که در بندر پسر ورود. چرا؟ برای اینکه تنگنارمز در کنترل نیروی دریایی ایران است و ایران اعلام کرده است که به گشتی ها اجازه نمیدهد به ساحل عراق نزدیک شوند!

«میزان» با همه این خیرهای نامیزان، میخواند تزیق کند که به شوروی و کشورهای سوسیالیستی قابل اتحاد نیستند، ضمن و دستاورد در کین و زمین زدن انقلاب ما نیستند. و در اجرای همین نقش است که خوبان ما میشوند که: ۳۵۰ هزار گولای با مواجدین افغانی میگردانند (میزان، شماره ۱۱) و «منابع اطلاعاتی اختصاصی» آنها کشف میکنند که: «روشنه ها هم بر علیه مهاجرین افغان وارد جنگ شده و به کانتینرچی آنها پرداخته اند...» (میزان، شماره ۱۱) و یمن دکراریت علیه ایران توطئه میکند و دهم و دهم خیر مشکوک قلب شده، «میزان» شده در زراخانه- و طینه دارند؛ دامینژن پسموه نظام ویشوروی کسب به کشورهای سوسیالیستی...

خوب، وقتی کشورهای سوسیالیسم به پیدال انقلاب فلسطین، سوریه، لیبی و دیگر کشورهای غیرمتحد و ضد سوسیالیست از گردنه دوستان و متحدان لیبرالی انقلاب ایران کنار رفته، جناب لیبرالها حرف اصلی و لیبالی خود را میزنند:

«اگر قرار است درها را به روی خودمان بپندیم، یا چه کسی - رابطه داشته باشی با ما منزوی شده ایم»

و این فریاد از حلقوم سردمداران لیبرالیسم «میزان» شده با خط برزیشکی، در فضای مجلس ششمین میماند:

«ما خود را با آمریکا در جنگ نمی بینیم!
دنیای ما را محکوم کرده است. ما منزوی شده ایم، بگذارید (با آمریکا) مذاکره کنیم!
دما با آمریکا پس مسائل داریم که باید حل شود. آمریکا اقتصاد چیه در سمنه ۲

به کشورها، نتیجه این انزوی ساختگی میماند و میبوسد:
«این مناقصه خدمات حسین- از انزوی بین المللی، که بخاطر ایران گروگان گیری پرچود آمده... امیدوار است سره کاری را برانقلاب اسلامی وارد نماند.» (میزان، شماره ۲۳)

این حضرات واقعا در آنچه میگویند صادق باشند، اگر واقعا به انزوی بین المللی ایران باور دارند و این انزوا را بطنه همه آلام و ناراحتی ها میدانند، باید با تمام حمت و قدرت در دفع این انزوا بکوشند، باید در درجه اول درآپ شدن بجا - اگر بی و انجمادی وجود داشته باشد بین ما و نزدیکترین و طبیعیترین متحدان جهانی انقلابمان جد و جهد کنند، و در این راه سوابق و قلم و قدم خود را بکار بیندازند.

خوب، آقایان سخت کوس مسلمان میزنند، از دید یک مسلمان دلجو سپین و انقلاب، آیا ما یار و حامدی بهتر و مطمئن تر از انقلاب فلسطین، سوریه، لیبی، الجزایر و کشورهای نظیر آنها داریم؟ اما دل لیبرالها جای دیگر می تپد. آنها برعکس، از تاهم و همدلی ایران انقلابی با دیگر خلقهای انقلابی مترشح اند. آنها نه تنها برای نزدیک شدن ایران با متحدان طبیعی همجنس خودش کوچکترین قسمی برنمی دارند، و گشتین قلمی میزنند، بلکه تا آنجا که در پاکستان برمی آید، در این راه مستقیم و کلون می اندازند و با پاموزانه ترین روشها به سوتن ها دامن میزنند.

از گران رسمی لیبرالها، در همان حال که برای «انزوی بین المللی» ایران آ و فسان میبرند، از سیاسی علیه انقلاب فلسطین، سوریه و دیگر انقلابهای سوسیالیستی غافل نیست. «میزان» که با هر چیز دنگی غیر از انقلاب ایران میزان است، برای لکه مار کردن انقلاب فلسطین که شمله ای از انقلاب است، گستاخی راجباجای پارکی میکند و میبوسد:

«آقایان - فلسطینی ها، که خود را پیشتر مبارزات جهانی میدانند و در کنفرانس قومی، که در فیران برگزار شده، هالی الحین لمانده مبروفشان فرموده ایرانیان باید انقلابی بودن را از فلسطینی ها بیاموزند، اینکه انقلابی بودن را به ما می آموزند، راستی چرا؟ آقایان انقلابی چین می کنند؟ زیرا که نمیتوانند در مبارزه بین اسلام و کفر، میلیونها دینار عراقی را، که اسلحه سداح حسین به آنها میدهد، فراموش کنند و جانب حق را بگیرند و جناح طرفدار عراق سازماندهان بطور مداوم و گاه و بیگاه ساختن جمهوری اسلامی را در پیروت هدف گلوها و موشکهای سورشان قرار میدهند...»

از ستمی سوال کنیم، از اینتای انقلابی بودن را یاد گرفته، علیه انقلاب اسلام و انقلاب اسلامی ایران شده است؟ (میزان، شماره ۲۶)

مطلب تحریر آیز فور - که تنها مستحالی از آنرا پستانه مشت نمونه خروار آوردیم، مقاله ای تصادفی و اختراعی نیست. «میزان» لیبرالها جنس دم و فرصتی را برای چرکین کردن دل مردم نسبت به انقلاب فلسطین به هم رنیدند. مقاله برنقلین و تفتین همسایه انقلابی بودن را یاد گرفته، علیه انقلاب فلسطین، در شماره ۲۶ میزان، پستانه های نظیر مکرری دارد:

«آقای یاسر عرفات، شما چرا؟ (میزان، شماره ۲۲) سازمان آزادی بخش فلسطین در قلاتش برای صلح» (میزان، شماره ۱۸) «تابه ای» «برادر ابوعماره» (میزان، شماره ۲۲) و بیهترها و طمنه های تخیله آیز منمدی، که در لابلای سپیدی از مطالب جا داده شده و این ترجیح بد زانکاران میکنند:

«آقای عرفات، چگونه پس از این می توانید موضوع خود را در جهان توجیه کنید؟» (میزان، ۱۳ ص ۵۹، مقاله منهدس مصطفی کبریا)

«میزان» که از دو حشترزدگی دولتهای مسلمان و برانگیختن عداوت آنها علیه ایران با شدت و حدت ابراز تکراری میکند؛ «میزان» که مدعی استقلال و صلح مسلمان در تنگ گاشتن ما متحد شده اند» و «اروژی شکست انقلاب ما را دارند» (سرمقاله میزان، شماره ۲۵) خود درست برخلاف جهت این ها و حوی، تمهق قرقه و شک و یگانه گی میبندد و در عمل میکوشد ایران انقلابی را واقعا پسوی چنین «دنیایی» و «انزوالی» سوق دهد.

این جلال گزند انقلاب فلسطین کافی نیست، باید همه دوستان را از گرد ایران تازاند، تا راهی جز اندواخ لیبرالی برای بری این ملکت عامی باز نماند. اینجاست که نویسندگان و سیاست بازان فرصت «میزان» لیبی و سوریه را نشانه میگیرند، و این نشانه گرفتن با همان طراقت و زلی ژورنالیستی انجام میگردد که بتوانند زهر حلاله را، در خوش منظرترین کسول، به خورد خلق الله دهند. «میزان» میبوسد:

«حقانی افتداد به نوعی سوسیالیسم ویژه عربی با اشاراتی به اسلام دارد. البته از نوع قذافی آن...!»

در لیبی سوسیالیسم رومی به حیات سیاسی این کشور غیر قابل انکار است. هگونی فراوان آراء و عقاید سیاسی و اقتصادی و نظامی جناح غالب حیات حاکمه لیبی با روسیه یزه، که در قراردادهای سیاسی، نظامی، اقتصادی تپولر می یابد، نشان این سنگینی نامیوس است. (میزان، شماره ۱۹ - در حاشیه وحدت سوریه و لیبی.)

«میزان» روی فروش نفت لیبی به اروپا و آمریکا، بنوان یا شناختن باخت پشت پرد، «راهی با سلیسایم فرنیچیه» در سطح کنفداتن و ارسال اسلحه، «پایگ گاند آمیتی تومس قذافی» در مقابل قوبات مقاله مردم لیبی و «نازی بدشتن امام موسی صدر در لیبی» (میزان، شماره ۱۹) و دهم شایه سیاسی ساخته و کذب و اتهام دیگر، تاکید میکند، تا ثابت کند که

انقلاب «چیز» مطلوبی نیست، نه، به هیوجه نیست، ما در انتظار نیمه یاران بودیم، اما ناگهان سیل آمد. همه مباره، نه بار از اینکه انقلاب کرده ایم پیشانییم. مشروطه و قانون اساسی آنقدرها هم بد نبودند، فقط کافی بود سر شاه را، که زباید با از گلشی بیرون گذاشته بود. یکجوری زیر آب کرد، تا اوضاع بر وفق مراد شود. مسائل فرعی خود به خود درست میشدند. کمی تغییر و اصلاح در دستگاه های لشکری و کسوری، کمی بزرگ کاری و آپرنگ زدن به قوانین و آیین نامه های شاهنشاهی، کمی عفو و اغماض، آب توبه ریختن بر مس سستوان و سحریان و ماموران معذور دوره نافوت، یک ملک شسته رفته، مثل دست گل پدید میاورده همه چیز آن درجای خودش بود. مالکیت مقدس بدون حد و مرز از چشم زخمور آمان میماند. بساط کتبه ها و سیاه و دادگاههای انقلاب برچیده میشد، پاکیزه زبانی، از حالت دشنه تیزی که «نظامات را بهم بریخته» درمیآید

چیز آن درجای خودش بود. مالکیت مقدس بدون حد و مرز از چشم زخمور آمان میماند. بساط کتبه ها و سیاه و دادگاههای انقلاب برچیده میشد، پاکیزه زبانی، از حالت دشنه تیزی که «نظامات را بهم بریخته» درمیآید

چیز آن درجای خودش بود. مالکیت مقدس بدون حد و مرز از چشم زخمور آمان میماند. بساط کتبه ها و سیاه و دادگاههای انقلاب برچیده میشد، پاکیزه زبانی، از حالت دشنه تیزی که «نظامات را بهم بریخته» درمیآید

چیز آن درجای خودش بود. مالکیت مقدس بدون حد و مرز از چشم زخمور آمان میماند. بساط کتبه ها و سیاه و دادگاههای انقلاب برچیده میشد، پاکیزه زبانی، از حالت دشنه تیزی که «نظامات را بهم بریخته» درمیآید

چیز آن درجای خودش بود. مالکیت مقدس بدون حد و مرز از چشم زخمور آمان میماند. بساط کتبه ها و سیاه و دادگاههای انقلاب برچیده میشد، پاکیزه زبانی، از حالت دشنه تیزی که «نظامات را بهم بریخته» درمیآید

چیز آن درجای خودش بود. مالکیت مقدس بدون حد و مرز از چشم زخمور آمان میماند. بساط کتبه ها و سیاه و دادگاههای انقلاب برچیده میشد، پاکیزه زبانی، از حالت دشنه تیزی که «نظامات را بهم بریخته» درمیآید

چیز آن درجای خودش بود. مالکیت مقدس بدون حد و مرز از چشم زخمور آمان میماند. بساط کتبه ها و سیاه و دادگاههای انقلاب برچیده میشد، پاکیزه زبانی، از حالت دشنه تیزی که «نظامات را بهم بریخته» درمیآید

چیز آن درجای خودش بود. مالکیت مقدس بدون حد و مرز از چشم زخمور آمان میماند. بساط کتبه ها و سیاه و دادگاههای انقلاب برچیده میشد، پاکیزه زبانی، از حالت دشنه تیزی که «نظامات را بهم بریخته» درمیآید

چیز آن درجای خودش بود. مالکیت مقدس بدون حد و مرز از چشم زخمور آمان میماند. بساط کتبه ها و سیاه و دادگاههای انقلاب برچیده میشد، پاکیزه زبانی، از حالت دشنه تیزی که «نظامات را بهم بریخته» درمیآید

چیز آن درجای خودش بود. مالکیت مقدس بدون حد و مرز از چشم زخمور آمان میماند. بساط کتبه ها و سیاه و دادگاههای انقلاب برچیده میشد، پاکیزه زبانی، از حالت دشنه تیزی که «نظامات را بهم بریخته» درمیآید

چیز آن درجای خودش بود. مالکیت مقدس بدون حد و مرز از چشم زخمور آمان میماند. بساط کتبه ها و سیاه و دادگاههای انقلاب برچیده میشد، پاکیزه زبانی، از حالت دشنه تیزی که «نظامات را بهم بریخته» درمیآید

چیز آن درجای خودش بود. مالکیت مقدس بدون حد و مرز از چشم زخمور آمان میماند. بساط کتبه ها و سیاه و دادگاههای انقلاب برچیده میشد، پاکیزه زبانی، از حالت دشنه تیزی که «نظامات را بهم بریخته» درمیآید

چیز آن درجای خودش بود. مالکیت مقدس بدون حد و مرز از چشم زخمور آمان میماند. بساط کتبه ها و سیاه و دادگاههای انقلاب برچیده میشد، پاکیزه زبانی، از حالت دشنه تیزی که «نظامات را بهم بریخته» درمیآید

چیز آن درجای خودش بود. مالکیت مقدس بدون حد و مرز از چشم زخمور آمان میماند. بساط کتبه ها و سیاه و دادگاههای انقلاب برچیده میشد، پاکیزه زبانی، از حالت دشنه تیزی که «نظامات را بهم بریخته» درمیآید

چیز آن درجای خودش بود. مالکیت مقدس بدون حد و مرز از چشم زخمور آمان میماند. بساط کتبه ها و سیاه و دادگاههای انقلاب برچیده میشد، پاکیزه زبانی، از حالت دشنه تیزی که «نظامات را بهم بریخته» درمیآید

چیز آن درجای خودش بود. مالکیت مقدس بدون حد و مرز از چشم زخمور آمان میماند. بساط کتبه ها و سیاه و دادگاههای انقلاب برچیده میشد، پاکیزه زبانی، از حالت دشنه تیزی که «نظامات را بهم بریخته» درمیآید

چیز آن درجای خودش بود. مالکیت مقدس بدون حد و مرز از چشم زخمور آمان میماند. بساط کتبه ها و سیاه و دادگاههای انقلاب برچیده میشد، پاکیزه زبانی، از حالت دشنه تیزی که «نظامات را بهم بریخته» درمیآید

چیز آن درجای خودش بود. مالکیت مقدس بدون حد و مرز از چشم زخمور آمان میماند. بساط کتبه ها و سیاه و دادگاههای انقلاب برچیده میشد، پاکیزه زبانی، از حالت دشنه تیزی که «نظامات را بهم بریخته» درمیآید

تحلیلی از گزارش نهائی

«سیاست‌های توسعه و تکامل جمهوری اسلامی ایران»

در مردادماه ۱۳۵۹، گزارش نهایی «سیاست‌های توسعه و تکامل جمهوری اسلامی ایران» توسط نخست‌وزیری منتشر گردید. این گزارش به حکایت پیش‌کنکار آن «برنامه گزارش مقدماتی» منتشره در مردادماه ۱۳۵۸ (روزهای عالی طرح‌های انقلاب) به ریاست آقای دکتر به‌الله سحابی، وزیر مشاور وقت، به‌صورت ۲۲ هزار نسخه از کارشناسان رشته‌های مختلف تنظیم گردیده است و ۶۴ نفر از آنان در تهیه گزارش نهایی مشارکت داشته‌اند. در پیش‌کنکار گزارش تاکید شده است که انجام این دولت‌ها متبنا به پیشنهاد آقای مهندس مهدی بازرگان، اولین نخست‌وزیر دولت جمهوری اسلامی آغاز شده و پس از استعفاي دولت، بوقت نیز مطالعات زیربنایی آن و شورای انقلاب ادامه یافته است.

هرچند این گزارش در «استان» تشکیل دولت جدید منتشر شد و به همین جهت مورد استقبال و توجه جدی قرار نگرفت، ولی از آنجا که سیاست‌های ویرسی درباره آن ضرورت نداشته است، ولی از آنجا که سیاست‌های پیشنهادی در گزارش دقیقاً تجلی سیاست «گام‌به‌گام» و «مسرف و تأمین بودواری لیبرال» در جهت متوقف کردن سیر انقلاب و ادامه نظام سرمایه‌داری و حفظ وابستگی به کشورهای استعماری است، و چون طرفداران این سیاست هنوز هم متشانه در آرگان‌های دولت و سایر ارگان‌ها روابط محکم و موفقی دارند، و بالاخره از آنجا که بسیاری از تهیه‌کنندگان گزارش هنوز مقامات دولتی به‌طور عمده در سطوح سازمان‌های برتری را در اختیار دارند، و بنا بر این آراء دیده می‌شود، بنابراین نظرات و تأییدات سازمان‌های خود را به نحوی در سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های دولت القاء کنند. لذا ترجیح می‌دهیم، هرچند به‌طور مختصر، تجزیه و تحلیلی از این گزارش به‌عمل آوریم. یادآوری می‌شود که، چون گزارش بسیار مفصل است و دربرخی از موارد نیز از حد «بررسی» تجاوز کرده و به‌طور اجرائی و تفصیلی در سطح «پروگرام» یا «پروژه» پرداخته است، لذا فقط به بررسی کلی در باره سیاست‌های پیشنهادی می‌پردازیم.

۱- تثبیت نظام اقتصادی دوران رژیم طاغوت

گزارش حاکم بر گزارش، که در شک تداوم تئوری لیبرال‌ها تنظیم شده است و نخست‌وزیری بسیاری از مستلزمات دولت وقت نمایندگان آن بودند و ایجاد شرایط برای تثبیت نظام سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم را تشکیل می‌دهد.

نظام با سیاست

گزارش تاکید می‌کند که محمل اساسی و متکی قانونی آن «اساسنامه شورای عالی طرح‌های انقلاب»، مصوب ۱۳۵۸/۱/۱۸ هجرت دولت بوده است. ولی با ملاحظه بر این اساسنامه و آنچه به عنوان «هدف» شورای عالی طرح‌های انقلاب» در گزارش بر آن تاکید شده، علاوه بر این، تهیه کنندگان گزارش مهم‌ترین و اصلی‌ترین وظیفه خود را «تأسیس و تثبیت نهادها و سازمان‌های اقتصادی» در جهت «توسعه و تکامل جمهوری اسلامی» و «توسعه و تکامل نظام سرمایه‌داری» در «چهار دهه آینده» اعلام کرده‌اند. «توسعه و تکامل» در اینجا به معنی «توسعه و تکامل نظام سرمایه‌داری» است. «توسعه و تکامل» در اینجا به معنی «توسعه و تکامل نظام سرمایه‌داری» است. «توسعه و تکامل» در اینجا به معنی «توسعه و تکامل نظام سرمایه‌داری» است.

سیاست چنین وظیفه‌های طبیعی و ضروری است، زیرا برای تدوین هر برنامه‌ای باید به توسعه سرمایه‌داری، به توسعه نظام و سیستم «جامعه‌آینده» شخصی خود را تا معلوم گردد که با اجرای این سیاست‌ها یا برنامه‌ها، به سوی استقرار نظام نظامی حرکت می‌کند. بدون این زمینه آینده باید نظام جامعه آینده و ساختارها و پیوندهای ارگانیک آن‌ها با یکدیگر و بالاخره عمل کرد (ویکتورسون) سیستم مشخص شده، و آن‌گاه سیاست‌ها و برنامه‌ها و پایه‌های عمارت منحصر در اساسنامه «راه‌های نایل به آن» تدوین می‌گردند. اما تهیه کنندگان گزارش این وظیفه ابتدایی و اصلی خود را «تأسیس و تثبیت نهادها و سازمان‌های اقتصادی» بدون آن که مشخص کنند با اجرای این سیاست‌ها چه نظامی در جامعه استقرار خواهد یافت.

با این‌دقت در محتوای گزارش می‌توان به این نتیجه رسید که، این نفع ناشی از فطرت باستان‌های موجود، بلکه عکس، گروهی از تهیه‌کنندگان گزارش عمداً از تمرکز نظام مورد نظر خویش خودداری کرده‌اند، زیرا آنان می‌دانستند که در جامعه با نظام سرمایه‌داری وابسته استقرار داشته‌بویان انقلاب این مسئله اساسی مطرح شده است که: «توسعه و تکامل نظام سرمایه‌داری» و در نتیجه وابستگی ناشی از آن ادامه داد، و بی‌اینکه با نظر رشد سرمایه‌داری، «موجبات تأمین استقلال اقتصادی و سیاسی و فرهنگی افزایش دهد» تهیه‌کنندگان گزارش، همان طور که روش خود را می‌بیند، در پی «توسعه و تکامل» این نظام سرمایه‌داری بودند، ولی از آنجا که این سیاست‌ها را «توسعه و تکامل» مابیه صورت حاضر به محض این نظام و عواقب و عوارض آن نیستند، لذا ترجیح داده‌اند که از صریح نظام آینده خودداری کنند، و ضمن بازی با الفاظ و دادن چند شعار «انقلابی»، ملاحظه نظام سرمایه‌داری و وابستگی را پیشنهاد کنند.

قانون اساسی و سیاست‌ها

گزارش نهایی در اردیبهشت ماه ۱۳۵۹ تکمیل و منتشر گردیده است. این تاریخ جدید هفت ماه پس از تصویب قانون اساسی در مجلس خبرگان و شش‌ماه بعد از تأسیس این قانون توسط امام خمینی و تصویب آن در فروردین ماه ۱۳۵۹ است. بدین ترتیب تهیه کنندگان گزارش فرصت و ارگان‌های برای مطالعه قانون اساسی و تنظیم سیاست‌های پیشنهادی در جهت تصریح اصول این قانون در اختیار داشته‌اند. ولی در وقت در مذاکره گزارش رو سخن می‌کند که در فراسر فعل و صفحات آن، حتی یک بار از قانون اساسی و با یکی از اصول آن نام برده نشده، و به عکس، در بسیاری از موارد سیاست‌های پیشنهادی دقیقاً خلاف اصول این قانون است، یا بدون استیفاء اصول که هر چند اصول قانون اساسی دارای قایم و نارسایی‌های جدی است، و این قیغه از نظر رهبر انقلاب نیز مخفی نمانده و لذا تهیه مضم قانون در دستور داده‌اند (۲)، ولی در همان‌جا باید تاکید کرد که اصول قانون اساسی در بسیاری از جهات دارای جنبه‌ها و نکات مترقی است و اجرای

۱) به منظور رعایت اختصار در همه موارد فقط شماره صفحه گزارش ذکر می‌گردد.

۲) این تذکره باید داد که از بین همه سازمان‌ها و گروه‌ها و نهادهای مختلف، با نام آن‌ها که قانون اساسی را تأیید کرده و با نام آن‌ها در قانون فقط ثبت شده، این گروه بود، با آن داشته و یکایک اصول مصوب را مورد بررسی و انتقاد سازنده قرار داده است.

صحیح آن می‌تواند بسیاری از انتقادات و بردهای انقلابی را با تحقق بخشد. این جنبه‌ها به ویژه در فصل اقتصاد و بودجه و مالی و حقوق دموکراتیک مردم قابل توجه است. اما تهیه کنندگان گزارش به نفع همه این موارد اصول را نادیده گرفته‌اند، بلکه سیاست‌های خود را، خصوصاً در زمینه‌های اقتصادی، در جهت نفع این اصول پیشنهاد کرده‌اند.

توسعه و وابستگی اقتصادی

می‌دانیم که عمده‌ترین مانع در راه توسعه و تکامل کشور ما سیاست‌های استعماری کشورها و وابستگی و انحمارات بین‌المللی در زمینه «توسعه و تکامل» اقتصادی و سیاسی نظامی میهن ما با این کشورها است. در نتیجه نیز جز طریق سرازیر جدی و واقع با امپریالیسم‌ها به‌سرگردانی آمریکا و واقع وابستگی و توسعه و تکامل کشور ممکن نخواهد بود. سلسله امپریالیسم و بهانه‌های محرب آن‌چنان مشخص و قابل لمس است که نتواند به‌طور جدی مردم میهن ما هدف اساسی انقلاب را در این مرحله به‌طور مشخصی نادیده بگیرد.

با این‌همه، چالش توجه است که در سراسر این گزارش ۲۴ صفحه‌ای، حتی یک بار از استعمار و نوآستعمار، از امپریالیسم و وابستگی اقتصادی و سیاسی و نظامی به امپریالیسم سخن نرفته‌است. حتی در آنجا که تهیه‌کنندگان گزارش ناچار شده‌اند از «وابستگی اقتصادی» نام ببرند، صرفاً و مطلقاً از «وابستگی اقتصادی» به «دیگر کشورهای جهان» (صفحه ۷۷) یاد کرده و رهایی از این وابستگی و «دیگر کشورهای جهان» را «توسعه و تکامل» می‌دانند. از «وابستگی» به «دیگر کشورهای جهان»، عملاً به معنای قطع رابطه با تمام کشورهای دیگر جهان، یعنی عملی ناممکن است، هدف گزارش از ذکر مطلق «وابستگی» به «دیگر کشورهای جهان» در واقع منحرف کردن اذهان و از بین بردن وابستگی مردم امپریالیسم و به خصوص امپریالیسم آمریکا، در جنبه نام بدین‌تنها و کردن مردم متبینه میهن ما است. درجای دیگر نیز به این عدم وابستگی و به قدرت‌ها (صفحه ۲۶) به‌طور مطلق سخن می‌رود، باز از همین هدف بپروی می‌شود.

اسلام و سیاست‌های پیشنهادی

در طول تاریخ، اسلام و مذهب تشیع همواره به‌طور صریح اساسی در جوامع اسلامی تجلی و معرفی شده است. از یک طرف، گروهی از روحانیان، نمایان با محوریت امام خمینی «عظمت‌السلطنین» کوشیده‌اند که اصول و مقررات اسلامی را در جهت تحکیم حکومت‌های جابر و توجیه ظلم و استعمار تأویل کنند، و از طرف دیگر امام همواره پرچم نهضت‌های خلقی علیه سلاطین و مستکبران بوده است. خصوصاً در یک قرن اخیر بسیاری از علما و روحانیان و ستمگران و به‌ویژه تشیع، برخلاف گروه‌های دیگر، کوشیده‌اند تا اینکه در احکام اسلام ناظر بر حجابات از مستمعین و علمیه شیعه و زنجیر و استعمار بوده است. زنده‌یاد دکتر شریعتی این بدو نوع تلقی را «تشیع صوفی و تشیع علوی» نامیده است و از نظر او اخیراً رایج شده است. این بدو نوع تلقی، تحت تأثیر «اسلام گارتوی» و «اسلام خمینی» از یکدیگر تفکیک گردیده‌اند.

تهیه‌کنندگان گزارش هرچند در مقدمه یعنی فصل اول، آفات قرآنی را با احادیث و روایات اسلامی و سایر ائمه راست‌گواران داده‌اند، ولی سرانجام، علی‌رغم همه این‌ها، در جهت تثبیت ایدئولوژی و توجیه استعمار کوشیده‌اند که از کشتنشان ده‌ها بار در قرآن، که به «تفسیر» و «مدل» حکم می‌کند، نادیده گرفته‌اند. فراموش کرده‌اند که امام خمینی خود ما آیه سوره قصص را شعار اساسی انقلاب قرار داده و به استناد آن تبدیل مستمعین به «پیشوایان» و «راویان» درونی زمین را هدف انقلابی برداشته‌اند. در گزارش، به جای همه این‌ها، به قسمتی از آیه سوره نساء تاکید می‌گردد و نتیجه گرفته می‌شود که: «آنگاه زمین و مردان آن را در اختیار ما گردانند» (صفحه ۱۹۷)

حال آن‌که می‌دانیم، بسیاری از احکام اسلام چنین اطلاعی را نپذیرفته است. به علاوه به موجب قاعده «الظهور» و اصول و احکام دیگر، می‌تواند و باید مالکیت را به نفع جامعه محدود کرد.

نظام اقتصادی و مالکیت و بخش‌های بنیادی

گزارش درباره «سیاست‌های توسعه و تکامل»، بدون آنکه مراعات‌ناهمان شود، در عمل ادامه راه رشد سرمایه‌داری را برای کشور ما پیشنهاد می‌کند. در این گزارش هر چند به بخش بنیادی اقتصادی و بخش بنیادی زاده، بخش مختلف و بخش دولتی تفکیک می‌گردد (جالب توجه این‌جاست که اصل ۴۴ قانون اساسی به بخش دولتی و تعاونی و خصوصی ازادگی می‌کند، ولی گزارش، قانون اساسی را آشکاراً نادیده گرفته و این تقسیم‌بندی جدید به پیشنهاد می‌کند) ولی با دقت مشاهده می‌شود که اساساً اقتصاد پیشنهادی را بخش خصوصی با در واقع سرمایه‌داران به صیده خواهند داشت (هرچند گزارش کوشیده است، با مکار بودن اصلاحات «آزاد» یا «مردمی» ظاهر قوی‌تر درست کند).

در این گزارش، بخش خصوصی ظاهراً شامل واحدهای کوچک و متوسط تولیدی و خدماتی می‌شود (صفحه ۱۲) و در این بخش فراسازو کار بازار و با تکمیل سیستم حکومت می‌کند (صفحه ۲۵).

تهیه‌کنندگان گزارش آرم‌ها تاکید می‌کنند که دولت نباید مداخله‌ای در فعالیت این بخش داشته باشد (صفحه ۳۲) مگر برای دفاع از این بخش در مقابل ادارات دولتی (صفحه ۳۵).

در گزارش بخش مختلف نیز عملاً در اختیار سرمایه‌داران خصوصی است و مشارکت دولت فقط برای تقویت این واحدها انجام می‌گردد. تهیه‌کنندگان گزارش درباره این بخش تا آنجا پیش می‌روند که، این موسسات می‌توانند انحلال یا شبه انحلال به‌وجود آورند و حتی در این صورت هم دولت فقط باید به هدایت این واحدها «کنترل» کند (صفحه ۳۷).

واحدهای مستطرم سرمایه‌گذاری زیاد و با دوره فرام‌سازی طولانی و نظایر آن سرمایه‌گذاری نماید و بدین ترتیب محیطی فراهم کند. تا آنجا که، با بهره‌برداری از امکانات فراهم شده از طریق دولت، بتوانند در واحدهای با سود بیشتر و سریع‌تر سرمایه‌گذاری کنند.

طراحان «سیاست توسعه و تکامل» ما نیز این خواست سرمایه‌داران را فراموش نکرده‌اند و دقیقاً همان رسته‌هایی را به بخش دولتی اختصاص می‌دهند که بخش خصوصی، در زمان رژیم گذشته، نمی‌خواهد یا نمی‌تواند در آن سرمایه‌گذاری کند. در گزارش حتی امکان واگذاری بخش‌هایی از صنایع نفت به بخش خصوصی پیش‌بینی شده است.

به موجب اصل ۴۴ قانون اساسی، کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانک‌داری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آب‌رسانی، راه‌آهن و تلویزیون، پست و تلگراف و تلن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه‌آهن و مانند این‌ها به سبب بخش دولتی است. به علاوه اصل ۴۵ تمام صنایع طبیعی را انفال و در اختیار حکومت اسلامی می‌شناسد.

قلماسه این اصول با آنچه که در گزارش طرح شده است، نشان می‌دهد که، طراحان گزارش تا چه حد از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران فاصله گرفته‌اند.

چلب اعتماد بخش خصوصی

تنظیم کنندگان «سیاست‌های توسعه و تکامل» نگرانی خود را پنهان نداشته، کار را لزوم جلب اعتماد بخش خصوصی را، که در واقع همان سرمایه‌داران وابسته هستند، یادآوری می‌کنند. آنان در این زمینه تا آنجا پیش رفته‌اند که، در مورد فرار سرمایه از کشور، صرفاً اعلام می‌کنند که: «چنانچه سیاست‌های مربوط به محیط اقتصادی روزنر تدوین و اعلام می‌گردند، بخش خصوصی از این ثروت در کشور می‌ماند». (صفحه ۱۹۱).

گویی گزارشی‌دهندگان فراموش کرده‌اند که سرمایه‌های براری به‌طور عمده متعلق به درباریان، مقامات عالی‌رتبه کشوری و لشکری و سرمایه‌داری وابسته بود، و این غارتگران که جان و مال خود را به خطر می‌دیدند، ترجیح داده‌اند که مال خود را به خارج منتقل کنند و خود از کشور بگریزند. لذا ادعای باقی‌ماندن «بخش خصوصی» از این ثروت در کشور، ادعای نا-درستی است. گمان‌هایی که، در مورد فرار سرمایه که پس از انقلاب نیز سرمایه‌داران بزرگ و وابسته باقی‌مانده، از آن وام‌ها و اختیارات دولتی استفاده کرده بودند، و این مبالغه را، به انحصار پروژه حاصل از فروش کالاهای ساخته شده و مواد اولیه موجود، به از تغییر تبدیل کردند و به خارج فرستادند. چالب این است که گزارش تاکید می‌کند که صاحبان صنایع موجود هستند تا رغبت و تمایل به خارج منتقل ندارند، بلکه در برخی موارد کارکنانی می-شوند، و اوضاع را به هم می‌زنند (صفحه ۸۲).

با این وصف آبی‌های توان باور کرده‌اند که این صاحبان صنایع، که به‌طور تاریخی مادامت کرده‌اند، در آینده هم خدمت انقلاب خواهند بود، و به‌عقول تنظیم-کنندگان گزارش، به سود «معاول و مشروط» رضایت خواهند داد؟ تهیه‌کنندگان گزارش، با تفکیک مالکیت از مدیریت (صفحه ۸۵)، بر آنند که سرمایه‌داران خصوصی می‌توانند در واحدهای سرمایه‌داری کنند، ولی خود فعالیت در آن نداشته باشند و فقط سود یادآور می-شود. و چون این پیشنهاد بدون هیچ فیدو متری طرح می‌شود، در واقع دنباله همان سیاست رژیم گذشته است و هدفش ایجاد یک قشر طبقاتی نزول خواران سرمایه‌داری مالی است. به علاوه گزارش، با نقل قول از اولیوس برنی که سرمایه‌داری کوچک (صفحه ۸۱) در واقع در صدد تشدید وابستگی اقتصاد ماست، در حالی که برای رفع یا تعدیل وابستگی و کاهش وابستگی اساسی و صنایع تولید ماشین‌ان این صنایع بزرگ تبدیلی در کشور به‌وجود آید، با می‌توانند، با استفاده از صنایع موجود، تولید کنند و احتیاجات صنایع کوچک را تهیه نمایند.

مسئله دهقانان و مالکیت در روستاها

تحقیقات علمی و بررسی‌های تاریخی روشن کرده است که یکی از شرایط استقرار و گسترش نظام سرمایه‌داری و ورکشنگی و مهاجرت روستاییان به شهرها تشکیل می‌دهد. استقرار کارکنان اناس سرمایه‌داری است. چون رشد تولید و گسترش سرمایه‌داری مستلزم نیروی کار جدید می‌گردد، سرمایه‌داران همواره به‌صورتی کارگر بکار می‌گیرند. شهرها نیاز پیدا می‌کنند، تا بتوانند در آن‌ها رانده‌بوی بقی با دائم استخدام کنند. این روند در کشور ما خصوصاً پس از سال ۱۳۴۱، یعنی در جریان تحکیم نظام سرمایه‌داری وابسته و همراه با ایجاد لایحه زمین‌بند رژیم گذشته و مهاجرت وسیع روستاییان قابل به ادعای مالکیت گذشته که در سیاست دولت بوقت ماکس باوم جای خود را به طرح استاد رضا اصفهانی و بالاخره تصویب قانون تعیین تکلیف ارضی کشاورزی داد. ولی تهیه کنندگان گزارش به این همه مراعات را نادیده گرفته و از روی ادامه نظری مالکیت گذشته با تمسک کرده‌اند. گزارش با اینکه فقر روستاییان را اعتراض می‌کند (صفحه ۷۶)، ولی اصلاً آن را به عارت مالکیت بزرگ سرمایه‌داران نمی‌داند و به همین جهت بر طرف‌ان حل مشکل مالکیت و واگذاری زمین به روستاییان را تاکید نمی‌کند. بلکه فقط به برنامه‌ریزان توصیه می‌کند که اختلاف درآمد شهر و روستا را تعدیل کنند (در جایی هم که تهیه کنندگان «سیاست» ناچار می‌شوند، که به سبب مالکیت و تقسیم ارضی بردارند، باز هم با صدور حکمی کلی و مبهم، توصیه می‌کنند که:

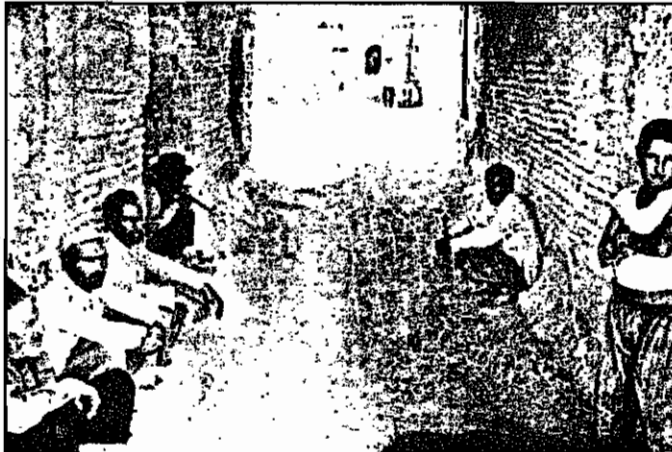
«تزیایط و وسایل تقسیم ارضی بین دهقانان، به نحوی که یا صاحب زمین خود شوند و یا حق بهره‌برداری به آنان تعلق گیرد، فراهم شود». (صفحه ۷۶)

ملاحظه می‌گردد که در این توصیه‌بند سلب مالکیت از مالکین بزرگ و تقسیم ارضی بین دهقانان قطع و مریح بهمان نشده و حتی با پیش‌بینی بقیه در صفحه

زمن‌بندی با سرمایه‌گذاری زیاد دوره فراهم سازی با باوری طولانی - زمین‌بند با اهمیت استراتژیک با امنیت و غنیمت. (صفحه ۴۰).

ب‌طوری که دیدیم می‌شود، این زمین‌بند عیناً منطبق با زمین‌بندی است که در دوران رژیم گذشته نیز دولت به سود سرمایه‌داران در تحت فعالیت می‌گردد.

هیئت واگذاری زمین و روستاهای اطراف جاده قم - اصفهان



روستای حسن آباد - اصفهان. دهقانان زمین و آب میخوانند و تا نیروی خلاقه خود را بکار اندازند و برای سیران انقلابی خود مسئول در چه بیشتری فراهم کنند



دهقانان اطراف اصفهان خوشه‌های گندم را دسته‌دسته میکنند. تا کوبند و امیریکا و تجاوز صدام را شکست دهند.

می‌شود که حتی ظرف شستن و آب برداشتن هم نتوانی باقی بماند. روستای دولت آباد در ۶۰ کیلومتری جاده قم - اصفهان قرار دارد. در حال حاضر تعدادی خوش نشین در این روستا زندگی می‌کنند. که مدعیانند، بصد از فرار یکی از مالکین، ۱/۵ دانگ از زمین‌ها متعلق به آنهاست، در صورتیکه

تزدیک به ۱۹ ماه از انقلاب تکوین می‌پسند میگذرد ولی در اکثر روستاها و از جمله روستاهای اطراف جاده قم - اصفهان، هنوز در وضع تعدد مالکیت باقی مانده است. دهقانان نیز زمین و کرم زمین تغییر داده نشده است.

در برخی از این روستاها، میان اهالی بر سر مسئله زمین اختلافات جدی وجود دارد و در برخی دیگر روستاها در انتظار ورود هیئت واگذاری زمین هستند. بی‌اغراق میتوان گفت که در حال حاضر بهترین مزدگانی برای روستاییان می‌پسند و از جمله اهالی این منطقه، پس از در هم کشتن تجاور دار و دسته مدام حسین و نحو آثار و عواقب آن، مزده و رود هیئت تقسیم و واگذاری زمین است. به همین جهت ورود هیئت مزبور به روستاهای این منطقه، جهت حل اختلافات روستایی احتمالاً تشکیل تعارضات زمین به آسان و متاع، در حال حاضر امری ضروری است تا هرگونه اختلاف و دودستگی از بین برود. به علاوه وضع معیشتی روستاهای اطراف جاده قم - اصفهان آنقدر است، که تعدادی از روستاهای اطراف جاده قم - اصفهان و ضرورت اقدام فوری هیئت واگذاری زمین و تقسیم و واگذاری زمین را به خود راه دفتر هیئت نظری برده‌اند، تا این روستاها را از وضعیت کنونی نجات دهند. نام روستاهایی که در این روستاها زمین و آب را به مالکان را، که ماهی ۳۰ و کانون فساد و غارت هستند، بگیرد و به دهقانان بدهد، باید دانست که دادن زمین‌های موات، که قدمت کوتاهی هیئت است، در شرایطی که هیچ وسیله‌ای برای کشت آن اراضی نیست، حتی از اقتصاد کشاورزی ما هم دردی علاج نمی‌کند. چه رسد به مسئله بسیار اساسی اجتماع، و سیاست اقتصادی روستاها.

اراضی روستای فیض آباد در جاده قم - اصفهان، در حدود یکسال پیش در اختیار یک روحانی قرار گرفته بود، که اکنون در اختیار دهقانان است. آیت الله خلیلی در امر واگذاری زمین به دهقانان، بهاری بسیار رسانده است، اما روحانی‌های مسالک هنوز ادعای مالکیت به این اراضی دارند و مزاحم کشت و کار دهقانان می‌شود. روستای چاهک با ۷۰ خانوار جمعیت در جاده قم - ساوه قرار دارد، عمده‌ترین مشکل اهالی این روستا نیز همچون دیگر روستاها مسئله زمین است. این روستا شورا دارد. هیئت نظری بیگانه برای مذاکره جهت واگذاری زمین به این روستا آمده است، که در آن هنگام اعضاء شورا نبوده‌اند، علاوه بر اینها، در این روستا آب و برق وجود ندارد.

در روستای حسن آباد نیز وضع به همین منوال است. این روستا با جمعیتی در حدود ۶۰ خانوار در ۵۰ کیلومتری قم قرار دارد. اعضاء شورای این روستا به وسیله هیئت نظری انتخاب شده‌اند. در حدود ۲۰ خانوار در این روستا فوس نشین هستند. این روستا آب و برق ندارد. تنها حمام این روستا بهداشتی نیست، آب معدنی اهالی بسیار کم است و آب کدر و لوله واقع در محلات بالویا بین باعث

دهقانان کم‌زمین عقیده دارند خوش نشین‌ها سهمی از زمین ندارند، و اگر هم قرار داد این ۱/۵ دانگ تقسیم شود، باید میان تمام دهقانان تقسیم شود. به هر حال، این وظیفه هیئت نظری است که به این گونه اختلافات پایان دهد. این اختلافات املاً نه به سود روستاییان، ام از دهقانان کم‌زمین و خوش نشینان است. و نه به سود انقلاب، هیئت باید رسیدگی کند و حق را به حق دار بدهد. اصل بر آنست که تمام زمین‌ها در اختیار دهقانان باشد. ام از کم‌زمین و سرزمین، برادران کارکنند، به سود زمین انقلابی و خانواده خود، تولید را سازمان دهند. شاید در این جا هم تشکیل تعاونی تولید مناسب‌ترین راه برای نیل به اتحاد و کار مشترک همه روستاییان باشد. این اختلافات در روستای نظری با وسع چندا بنیز، به چشم می‌خورد. این روستا مقدار کمی زمین غیر زراعی دارد، که اهالی می‌خواهند در آن خانه بسازند، اما هنوز توافق بین آنها بر سر تقسیم زمین نشده است. قرار شده است که چند تن از اعضاء شورای روستا (بنا به تصمیم هیئت نظری) با اهالی دربار این موضوع مشورت کنند و قیمت مناسبی برای زمین تعیین کنند و آن را به اهالی بفرشند. به همین جهت حسابی دربارتنگ به نام شورا ایجاد شده است، که اهالی می‌توانند پول زمین را به آن حساب واریز کنند و از این طریق صرف عمران روستا کنند. این روش که اصل را بر کار جمعی و مسئولیت و نقش شورای ده قرار می‌دهد، بسیار پسندیده است و باید تالیق و تأیید را در سایه همین گونه همکاری‌ها در چارچوب شورای ده، به دست آورد.

روستای نیزار، در ۵ کیلومتری جاده قم - اصفهان قرار دارد. در حدود ۶۰ خانوار از ۹۰ خانوار ساکن در این روستا، خوش نشین هستند. ۴ مالک بزرگ این روستا ۳۵۰ هکتار زمین در اختیار خود دارند. این روستا آب و برق ندارد و مدرسه و انجمنی آن را اساساً ساخته‌اند. واقع است که انقلاب ما، انقلاب کوچ نشینان و بیست‌فصلی، نمی‌تواند تحمل کند که در دهی از یکسو ۳۵۰ هکتار بزرگ مالکی باشد و از سوی دیگر ۹۰ خانوار بی‌زمین. او روزی ۴۰ خانوار جمعیت در جاده قم قرار دارد و آب ندارد. تیرهای چراغ برق را تا زنگی آورده‌اند. نحوه مالکیت بر روی زمین‌ها به صورت فردی، مالکی است. دشمن، که در انتظار فرصت مناسب است تا شمشیر زهرآکین خود را بر فرق انقلاب فرود آورد، می‌کوشد تا برای تضعیف طرفداران انقلاب، دسوا بین زمینگان برآورد و نا رهایی و نا امیددی ایجاد کند. در حال حاضر وجود اختلاف بین دهقانان، ممکن است باعث درگیری‌هایی شود که این نتیجه‌اش خواهد بود. دهقانان نیست، بلکه در مجموع به سود دشمن متجاوز یعنی عمال صدام حسین و ربا بش امپریالیسم امیریکا و به زبان انقلاب است. با اتخاذ تدابیر جدی و فوری و در درجه اول آغاز کار عملی هیئت نظری و از زمین بردن کامل بزرگ مالکی و دادن زمین به دهقانان این مناطق، میتوان جلوی اختلافات را گرفت و مزده بزرگی به دهقانان داد. این کار یک گام عملی و موثر در راه دفاع از دستاوردهای انقلاب و میسر شدن انقلابی است. در راه میسر زمی دهقانان و در راه تا بین معمولات هر چه بیشتر و تولید فراوان تر است.

حمام به دلایل چندی خراب شد و فعلاً اهالی از داشتن حمام محرومند. روستا فیسان مجبورند برای استحمام به روستای گیدر، واقع در ۱/۵ کیلومتری کلات فشان بروند. کلات فشان دارای یک تراکتور است که آن هم خراب است. برای روستاییان زمستانی که با کمبودهای اساسی روبه‌رو هستند باید بطور انقلابی و سریع اقدام کرد. و همین‌جا اما خمینی، رهبران انقلاب، ایستادگی خواهند کرد. از وزارتخانه‌ها و ما موران اجرا بخواهید که از کاغذها و پولی به ملت زمین‌ها بدون کشت و محصول مانده بود، با بدو مورد کشت و حاصل‌دهی این زمین‌ها اقدام جدی صورت گیرد و در جهت افزایش تولید داخلی و خودکفایی کشور از نظر

معمولات غذایی، از این زا زمین حمایت کرده است. این عمل مستقیماً به نفع دسواس و حیاتی ماعلیه امپریالیسم امیریکا خدمت خواهد کرد. اما دارای نیز در این روستا رواج دارد. تولیدات کتا و رزی این روستا بیشتر به صرف خود اهالی میرسد. با اتخاذ تدابیر لازم میتوان تولید را به دامی روستا را بپار افزایش داد و نیازهای کشور را بهتر برآورده ساخت که این خود فریبی است به آمریکا متجاوز. روستاها منطقه در معرض خطر سیل و قحط است. سال گذشته روستایی

گزارش از روستا: روستای کلات فشان، از روستاهای «سرولایت» نیشابور روستای کلات فشان از توابع سرولایت نیشابور در منطقه کوهستانی واقع است. این روستا از نظر مساحت نیشابور ۲۵ کیلومتر فاصله و در حدود ۱۳۰ نفر جمعیت دارد. حاد ارضی این روستا به نیشابور ضعی است. زمین‌های قابل کشت این روستا و روستاهای اطراف زیاد است ولی به علت سیاست دهقانان رژیم شاه ملعون، این زمین‌ها بدون کشت و محصول مانده بود. با بدو مورد کشت و حاصل‌دهی این زمین‌ها اقدام جدی صورت گیرد و در جهت افزایش تولید داخلی و خودکفایی کشور از نظر

هیئت‌های هفت نفری! زودتر عمل کنید بزرگ مالکی پایگاه امپریالیسم و ستون پنجم تجاوز کاران است تکیه‌گاه دشمن را با واگذاری زمینها بد دهقانان زحمتکش نابود کنید.

په‌ویچ قطعنامه کمیته اقتصادی و اجتماعی جمع عمومی سازمان ملل متحد: ساکنان عرب سرزمین‌های تحت اشغال صهیونیست‌ها را منابع طبیعی این سرزمین حق حاکمیت دارند

✽ آمریکا و اسرائیل به این قطعنامه رای مخالف دادند

کمیته اقتصادی و اجتماعی مجمع عمومی سازمان ملل متحد با تصویب قطعنامه‌ای اعلام کرد که ساکنان عرب سرزمین‌های تحت اشغال نیروهای صهیونیستی را منابع طبیعی سرزمین خود حق حاکمیت دارند. در این قطعنامه اقدام‌های اسرائیل برای استفاده و چپاول این نواحی غیرقانونی شناخته شده است.

کنزور اسرائیل و حامی اصلی آن آمریکا به این قطعنامه رای مخالف و دیگر کشورهای غربی نیز رای خود را منعقد دادند. بدین ترتیب یکبار دیگر روشن شد که اسرائیل در سیاست‌های تجاوزکارانه خود از طرف آمریکا کاملاً پشتیبان خاطر دارد.

ضیاء الحق دروغ میگوید

خبرگزاری فارس در تفسیری پیرامون اظهارات ضیاء الحق، دبکتاور پاکستان، می‌نویسد که گویا اتحاد شوروی و افغانستان با حل و فصل سیاسی مسائلی که پیرامون افغانستان بوجود آمده، مخالفانه اعلام کرده که حل و فصل سیاسی مسائل منطقه کاملاً امکان‌پذیر است. بشرط آنکه کسی واقفا خواهان این حل و فصل باشد و مانند ضیاء الحق تلاش نکند که حقایق را وارونه جلوه دهد و ماحیت سیاست شوروی و افغانستان را تحریف کند.

تاس اضافه کرد که اگر رهبران پاکستان واقفا خواهان حل و فصل سیاسی مسائل هستند، از مدتها پیش راه این حل و فصل باز شده است. در ۱۴ مه اسامیل دولت افغانستان صحبت خود را ثابت کرد و پیشنهاد نمود که بر اساس برابری، مذاکره برای مادی کردن روابط آغاز شود. اما پاکستان پیشنهاد دولت افغانستان را رد کرد و تکیه داد که مایل نیست مسلح و ثابت در منطقه حکمفرما شود. ادعای اسلام‌آباد می‌نویسد که خواهان حل و فصل مسائل است. پیوسته با توجه به این واقعیت که پاکستان پایگاه تجاری علیه افغانستان است، دوستی بی‌پیش‌نظر برسد.

تاس تاکید کرد که رهبران پاکستان در مورد خط مرموز شوروی و افغانستان تنها مداخلاتی را که از آسیوی دریاها بلند می‌شود، متحکم می‌کنند.

سر نوشت رهبر حزب کمونیست پاراگوئه همچنان مبهم است

به گزارش رسانه‌های گروسی خارجی، سخنگوی پلیس بوتوس آیرس به خبرنگار آسوشیئیتد پرس گفته است که، آناتولیو مایانله رهبر حزب کمونیست پاراگوئه و امیلیو داتو یکی از رهبران کارگری این کشور به قتل رسیده‌اند.

این دو تن دوست بزرگ پاراگوئه چندی پیش در بوتوس آیرس ربوده شده بودند. با این همه هنوز از سر نوشت این دو مبارز اطلاع دقیقی در دست نیست. شایعه قتل رهبر حزب کمونیست پاراگوئه گمانی آزادانه خوانان آمریکایی لاین را برانگیخته است. سازمان‌های اجتماعی آمریکایی لاین و بسیاری از کشورهای پارادیکر از دولت آروانتین خواستارند که تحقیقات کاملی را در این باره انجام دهد.

در تلگرافی به امام خمینی سازمان حزب توده ایران در جمهوری فدرال آلمان آمادگی خود را برای مبارزه علیه تجاوز رژیم صدام حسین اعلام داشت

به پیروی از فراخوان کمیته مرکزی حزب توده ایران، سازمان حزب توده ایران در جمهوری فدرال آلمان، ضمن تلگرافی خطاب به امام خمینی، آمادگی خود را برای مبارزه علیه تجاوز رژیم صدام حسین اعلام کرد.

در این تلگرام، از جمله آمده است:

هشما صدام‌پسندان، که با سه حمایت امپریالیسم، به رهبری شیطان بزرگ - آمریکا، به کشور ما هجوم آورده‌اید، تا انقلاب ایران راه که خاری در

چشم این کوردلان بی‌خبر است، پنهان خود را پنهان نکنید. دولت ایران در جمهوری فدرال آلمان حاضرین و دانشجویان سایر میهن‌دوستان انقلابی در صوفی‌تصاحب مبارزه و کتله‌ها علیه نظام صدام‌خائن را جانانه در می‌کنند، بلکه همین‌جا بر امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، بتازنده و بی‌رحم می‌زنند.

تکذیب

بر اساس اطلاع رسیده از دبئی شخصی بنام طوسی، که بیشتر اوقات در دفتر مطبوعاتی ایران در دبئی بسر می‌برد، خود را عضو حزب توده ایران معرفی کرده است. بدین وسیله اعلام می‌داریم که این فرد هیچگونه ارتباطی با حزب توده ایران ندارد. دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران ۱۳۵۹/۷/۲۳



مردم را مسلح کنید، امریکا قدرت مقابل ما را می‌بیند
مردم انقلابی را زارنده

امپریالیسم رسیده و به‌تازنده و بی‌رحم می‌زنند، بلکه همین‌جا بر امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، بتازنده و بی‌رحم می‌زنند. در این زمینه ادعای آزادی مطلق می‌تواند به شکل توهم‌های امپریالیسم کذب کند. امکانات آنرا برای مقابله با انقلاب ترویج نماید. به همین جهت جلوگیری از فعالیت ضد انقلابیون و اعمال استعمارگران خارجی از ضروریات فرزانگان است. ولی سیاست‌های پیشنهادی، زیرلای آزادی‌های لیبرال‌گفته، بی‌شکوه انقلاب ما را خلع سلاح کند و ما را بر ضد انقلاب سازماندهی نماید. ما شاهد بوده‌ایم که دولت‌ها به‌تازنده و بی‌رحم می‌زنند، بلکه همین‌جا بر امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، بتازنده و بی‌رحم می‌زنند.

مسئله ملی

تجربه‌کنندگان گزارش می‌دهند که اکثر مردمی که از ملت‌های اقوام متحده است و این خلق‌ها، که در نظر گذشته با مردم صاف را تحمل کرده‌اند، هم اکنون نایز به سیاست‌ها و برنامه‌ریزی جامع و وسیع جهت رفع ستم دارند. ما هم اکنون شاهدان هستیم که بی‌توجهی به این مسئله پس از انقلاب چند شورای‌های جدید، به‌تازنده و بی‌رحم می‌زنند، بلکه در اختیار امپریالیسم و انقلاب داخلی قرار داده‌اند.

اما گزارش تمام این واقعات، مهم را یادآور کرده‌است. تا این‌که مسئله تروپیک فنیایی فعالیت‌های اقتصادی و آمایش سرزمین، بخشی از مستطقی از گزارش را تشکیل می‌دهد، ولی حل مسئله ملیت‌ها در این گزارش یکی از یافته‌ها، تا آنجا که حتی اولین و شریک‌ترین حق هر یک از ملت‌ها، یعنی آموزش به زبان مادری که در اصل ۱۵ قانون اساسی نیز استفاده از آن در سطوح متوسط و عالی‌تر است، به‌تازنده و بی‌رحم می‌زنند، بلکه در اختیار امپریالیسم و انقلاب داخلی قرار داده‌اند. این گزارش‌ها نیز به‌تازنده و بی‌رحم می‌زنند، بلکه در اختیار امپریالیسم و انقلاب داخلی قرار داده‌اند.

بوقت از همان آغاز به ضحیت با شوراهای رعایت وسیع کرد که با شوراهای منحل کند و با آن‌ها در بندهای شرفیاتی و فاقد مسئولیت و کسالت بی‌پند سازد. فقط زمانی که توده‌های میهنی در تبعید چنانچه جاهل‌نستون و باطله طالبانی با چشم فریاد زنده که، «پام طالبانی، شوهرت است و شوهر» دولت وقت تا چار قانون شوراهای شهر را تصویب کرد، ولی دیدیم که صدام در تبعید فقرات قانون و اجرای آن موجب شد که، مردم از انتخبات شوراهای استقبال نکنند و شوراهای در تبعید منحل و یا بی‌کار و عاقل گردند.

سیاست‌های پیشنهادی در گزارش نیز چنین برخوردی نسبت به شوراهای دارد. در این گزارش فقط تشکیل شوراهای در تبعید (صفحه ۶۶) پیش‌بینی شده و وقتی آنها هم فقط به نظارت بر اجرا محدود گردیده‌است (صفحه ۱۵۵).

با وجود این که قانون اساسی، در اصل مقدم خود، به‌استناد آیات قرآنی «همه شوروی و پنجم و شاوروم فی الامر» نقش شوراهای در تمام سطوح ارگان‌های تصمیم‌گیری و اداره را روشن کرده‌است، و اصل یکم قانون اساسی، تأسیس شوراهای در کلیه سطوح، اهم از همه، بخش، شهر، شهرستان و استان را جهت نظارت بر اداره امور مقرر کرده است، و اصل ۵۲ هفتم قانون تأسیس شوراهای واحدهای تولیدی، صنعتی، کشاورزی و آموزشی، اداری، خدماتی و مانند این‌ها را، جهت همکاری در تبعید برنامه‌ها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور پیش‌بینی کرده‌است، اما سیاست‌های پیشنهادی هم‌این‌همه را نادیده گرفته و هیچ‌کدامی را برای کارگران در اداره، برنامه‌ریزی و هماهنگی در واحدها قائل نشده است.

این وضع، با توجه به تعاریفات سیاسی گزارش دهندگان، طبیعی به نظر می‌رسد. به عقیده آنان، در کارخانه‌ها هر روز مردم و اتحادیه به هر نوع شوق با حاکم بر روابط کار و اعصاب‌های مردم (صفحه ۸۴) حکمفرماست و حتی داشتن عقاید سیاسی و صفی نیز سبب روابط متشنج بین کارگران می‌شود! آنان سرانجام شوراهای کارگری و شوراهای کارکنان را سبب برهم خوردن نظم در واحدهای تولیدی می‌دانند (صفحه ۸۴).

اما همین گزارش، با قبول درست این‌که، گویا قشرهای رفرونی‌نهم‌مرغه اجتماع از راه‌های مشروع ثروت انداخته‌اند، برای آنها، به علت انتظارات طبقاتی مردم، ابرازگرانی و احساس خطر می‌کند (صفحه ۱۹۹)، و لاسدا اظهار نظر می‌کند، حتی غیرمقول بالاتر می‌رود! (صفحه ۱۹۹)

گزارش با تأکید بر لزوم اعمال قانون کارگران تا طاعت (صفحه ۸۷) می‌کند از کارفرمایان پشتیبانی کند.

آزادی‌های سیاسی

طراحان «سیاست‌های تکامل و توسعه» ظاهراً تأکید زیادی بر آزادی‌های سیاسی بعمل آورده‌اند. طبق پیشنهاد آنان باید «اجازت فعالیت به هم‌گروه‌ها از کوچک و بزرگ داده شود» (صفحه ۱ و ۱۲) و «آزادی عقیده، بیان ... برای افراد و اجتماعات وجود دارد» (صفحه ۲۶).

این قبیل شعارها بدون تردید صحیح و سطقی است. زیرا آزادی‌های دموکراتیک لازم‌که برای جامعه مترقی است، ولی تعویب آن آزادی‌های سیاسی، آزادی‌های محدود و رزواوسی را می‌فهمند، که در آن اگر زور برسد، جایی برای نیروهای مترقی و پویه‌گوش‌ها نیست. این واقعیت بر حلات خصمانه و کم‌توانه لیبرال‌های بی‌توجهی چپ و مارکسیست‌ها قابل توجه و وحشی از همه وحشی از همه حزب توده ایران تأیید می‌کند. فراموش نکنیم که امر انتظام شخصی دولت وقت به‌استناد قانون سازمان‌ها، مخالف و فعالیت علمی و فکری حزب توده ایران بود. تا آنکه اساسی دیگری که طراحان عمدتاً تأکید کرده‌اند، لزوم مبارزه با عوامل ضد انقلاب است. انقلاب ما برای حفاظت از خود باید اجازه فعالیت را از دست‌های ضد انقلابی و گروه‌های متعلق به سرمایه‌داران وابسته و عوامل

تحلیلی از گزارش نهائی

بحه از صفحه ۳

حق تعلق بهره‌برداری، با فراری پائی گذاشته‌اند، تا با هم امکان برداشت یک مالکانه و نظایر آن برای مالکین بزرگ باقی بماند.

۲- نادیده گرفتن نهادهای انقلابی و مسائل اجتماعی

در گزارش به علت تسلط تأملات لیبرالی بر آن، نهادهای انقلابی، که از دستاوردهای بزرگ انقلاب ما است، نادیده گرفته شده و مسائل مهم اجتماعی به‌سبب ما با مسکوت گذارده شده و یا به صورتی سطحی مطرح گردیده است. به برخی از آن‌ها می‌پردازیم.

نهادهای انقلابی

در جریان اوج‌گیری نهضت انقلابی، به‌منظور توسعه و پیش برد انقلاب و رفع نارسایی‌ها، نهادهای به‌تازنده و بی‌رحم می‌زنند، بلکه در اختیار امپریالیسم و انقلاب داخلی قرار داده‌اند. این نهادهای، که از بین آنها می‌توان از سپاه پاسداران، کمیته‌های دادگاه‌های انقلاب، شوراهای و جهاد سازندگی نام برد، با پشتیبانی قاطع و بی‌گام خمینی، توانستند به‌تازنده و بی‌رحم می‌زنند، بلکه در اختیار امپریالیسم و انقلاب داخلی قرار داده‌اند. این نهادهای، که از بین آنها می‌توان از سپاه پاسداران، کمیته‌های دادگاه‌های انقلاب، شوراهای و جهاد سازندگی نام برد، با پشتیبانی قاطع و بی‌گام خمینی، توانستند به‌تازنده و بی‌رحم می‌زنند، بلکه در اختیار امپریالیسم و انقلاب داخلی قرار داده‌اند.

شوراهای

شورا، به‌عنوان نهادی استکباری و خودجوش، از بن انقلاب ایران برخاست. شوراهای از یک طرف مشکلات و دشواری‌ها را تقویت می‌کنند و از طرف دیگر به‌تازنده و بی‌رحم می‌زنند، بلکه در اختیار امپریالیسم و انقلاب داخلی قرار داده‌اند. این نهادهای، که از بین آنها می‌توان از سپاه پاسداران، کمیته‌های دادگاه‌های انقلاب، شوراهای و جهاد سازندگی نام برد، با پشتیبانی قاطع و بی‌گام خمینی، توانستند به‌تازنده و بی‌رحم می‌زنند، بلکه در اختیار امپریالیسم و انقلاب داخلی قرار داده‌اند.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک در جنبه متحد خلق

«میزان» نامیزان

میزان، لیبرالیسم در مسائل داخلی انقلاب

در آینه میزانه دیدگاهها و افراش سیاسی و طبقاتی لیبرالها را باطلر عمده در عرصههای خارجی و مرزبندی بین دوستان و دشمنان ایران انقلابی در جهان مورد گردید. بررسی باورها و تالیفات لیبرالها را در زمینه های داخلی - که دیدگاههای خارجی خود نموده - بازتاب آید است - به فرصت و مجال دیگری موکول میکنیم. همینقدر باطلر گذرا و تیتروار می-گوئیم که لیبرالها مجوسون فلاق و موفقیت خود در ارتباط با آزادی می-بندوبار سرمایهاند. «میزان» چیه، که در واقع حرکت قلبان و سرریان تبدیل قوت و سرمایه خصومس مترشاند. آنها تا اینجا به انقلاب با نظر انفاض میگردند، که بهاین حریم مقدس نزدیک نشود، و اگر انقلاب به خاطر خصلت و رطیبه خود به این حریم نزدیکشود، فیرایشان بلندبیشود که: «عجربه بیک مستضعفان و بیاد مسکن (در شکتی نفس مالکیت و مصادره بیتالمال به یفا رفته خلق) محکوم به شکت است... ایندوش تگرانی و دلشردی و سر خوردگانهای پیروچ میآورد که میآورد که میآورد باشد (البته برای آقایان لیبرالها) و انقلاب را به سر منزل مقصود رسانده (میزان، شماره ۲۲)

آقای لیبرال فلاق خود را با عقاید مردم عوضی میگرد و بهما پندگی را طرف مردم میدهد: «بررسی افکار در ماههای بعد از انقلاب در میان قشرهای مختلف مردم نشان میدهد که اکثریت قاطع طالب حذف مالکیت خصوصی و یا سلب مالکیت از افراد است» (میزان، شماره ۲۲)

میزان از ثروتها و سرمایههای غارتشده، که کف دیگر ترابری آن قتل سیاه میلیون جامعه است، بپزنان حقیقت منکسب مفروض نام می-برد و در دفاع از اینچهارگانه، که مشروف میآید در مبارزات آنها از استفاده قانونی از شیوههای ظریف و پوشیده زدی است، میگوید: «فصلب ملک و حق منکسب مشروع فرد و توقیف آن به دیگری نوع دیگری از - ظلم و رماندن مردم است» (میزان، شماره ۲۱)

و سرانجام حرف خود را که شاه بیت حیات اوست، می-آورد: بهجای حسابرسی و کنترل سرمایهها تعیین حد و مرز، «ضرورتی است که در سرمایهگذاران صنعتی تقدر شود»

در میان مطالب تند و شیوع میزانه که مورد موسی نامی آنها تقریبا همانند است دووقاله نمودهوار وجود دارد که تنها خواندن آنهاچگونه تنظیم شده آرا و عقاید و آمال لیبرالیسم ایرانی را پیش روی ما میگذارد:

۱- عرض مختصر با جوانان انقلابی و مکتبی خودمان (میزان، شماره ۲۱)

۲- نبشت ضد ایرانی (میزان، شماره ۲۲)

و اتفاق این حرف درمقاله از قلمرو حدیث است: آقای منکسب میوهها بازرگانان در این مقالات افکارهای انقلابی جاسوسان آمریکایی و آمریکا و گزرها و شرکای جرم فلاق توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، که از سوی امام خمینی مرحله دوم انقلاب و انقلابی بزرگتر از انقلاب اوله خوانده شد، «مختصری از تفکر و دلپشت ضد ایرانی» خوانده شد: «هاف روی که فائقه افکار» شروع شده، نبشت ضد ایرانی که اسم دیگری را خود ویرانگری میگذاریم، براه افکار تحت لوی فساد لیبرالیستی و یا لیت و انقای دفاع از انقلاب»

«پاکسازی» که ضرورت حیاتی در انقلاب خلقی است، با کتایبهای نبشتار «فائزانی» اسم گذاری شده، به جوانان ایثارگر «جهاد سازان» می-آید این تصر و مس کوفت، پادش داد شده:

«فاصلت یک چا و یک چیز که لایذ خراب کردن چاه و چیزهای دیگر باشد»

«دارگاههای انقلاب، که پشتوانه انقلاب و سر دفاع آنست، چنین ارزیابی شده:

«دیوانی و کینه و دشمنی علیه انقلاب اسلام» این رفتارها (مجازاتی انقلابی) در داخل و خارج ایران وجود می-آورد و لشکر شد انقلاب را قوت می-بخشد، خیانت کوچکی نیست»

یاسمداران انقلاب و کیتها را بدی از دژخو برآوردن نیمه سبب وصف میکند و درباره حیث و خوف و ملکرد آنان مینویسد: «هرده، ام از گوگک و پزرگ، اندازی و بازاری، انقلابی و غیر انقلابی در لائمی و تگرانی و لاراحی پس میراند و جمهوری اسلامی در چنین سیر میکند که مردم حدیثت فکسان میچوانان مسلمانان را پیوسته یاد یاورند و از امنیت و حفاظت کافی محروم باشند»

مبارزه با فاسیالیسم تنگ نظر بورژوازی را که خود امام خمینی برچمدار آنست، «دلپشت ضد ایرانی» نامند، دانشجویان مسلمان پیرو خط امام و جوانان پریادارنده و تمکیم کننده نهادی انقلابی را مفسران صده مشکلات و گرفتاریهای بوجود میاند و مینویسد: «مفصلتک رسع ما بوده که به شاه بپزنان تنها مورق و مقصر اوضاع آرزو نامه سرگشته میوشنیم، حالا هم شاه بپزنان تنها مورق و مقصر میانشناسی و مفاصلت قرآنیان میدهم»

جالب است که لیبرالیسم ناسازگار با انقلاب، سیاستهای سازشکارانه را که بهترین فرصت را بپاد داد و صیانت ۳۴ و ۳۵ را عامل موثری مسائل کنونی نمیداند، درست نیرها و انگیزهها و بنیادهای تسریع کننده انقلاب را «مفصلر» و ددخور سرشش و تخطئه میاند.

ما از آقایان میروسیم: اگر مطابق میل و سلیقه شما انقلاب ایران، در عرصه جهانی با سوسیالیسم بهسزیند، برعزیند انقلاب فلسطین و مستعدان طبیعی خود نظیر لیبی و سوریه و الجزایر و بین ددگریک را نفی کند درعوض در کنار شیاعمالحقا بنشیند و به زاین به گرمی طل دهد و فرانسه را بهسزیند دعوت کند و آمریکا را به آشتی و سازش و تجدیدبندبندبند مورد علاقه بخواند - و درعصه داخلی سرمایه و سرمایه داران را بدون قید و حصر در یمنگری مستضعفان بحال خود واگذارد، خط امام را زیر پا بگذارد، کیتها و سپاه و دارگاههای انقلاب را با کسارزی و تصفیه و رها کند، مستضعفان را فریوش کند، آتوقشد انقلاب ایران چه بر جای میاند آیا مسئول چنین انقلاب عقبی چیزی پیش از همان خواست و شعار نیست که لیبرالها از پیش از انقلاب طالب آن بودند: مشروطه بدون شاه...!

انقلاب خیلی از چیزها را از بین و بن تغییر داده، اما بنظر میسد که لیبرالها فقط میخواهند یک چیز را تغییر دهند: خود انقلاب را! و همین حیاتی مبارزه با لیبرالیسم و افکارش «میزان» و «میزانها» در همین نکته خطی است...!

آفغانستان چاپ میکند، و به بهانه دفاع این انقلابیون آمریکایی از موضع ایران در جنگ با عراق، خود مقاله پر سوز و گداز می-در حاشیه این خبر چبندار مینویسد که:

«هددی و همدردی برادران افغانی، که خود در جنگ با سوسیال-امریالیسم شوروی دستخوردگریه برای امت ما لوبده پش است» و نفس علیها... (روزنامه برژینسکی، صفحه ۸)

روزنامه برژینسکی یک خبر مرصع درباره «محکوم کردن ابرقدرتها از سوی فائزادیه کارگران انقلابی اتریش» (۲) از نوی استثنی درس آورد که: «بدیهال توتنه مستعد دو ابرقدرت روس و امریکه، قشون عراق به جمهوری اسلامی ایران حمله کرد، این جنگ توسط دکانداران شرق و غرب، که هتگی خواستار سقوط ایران انقلابی هستند، همیادی میشود» (روزنامه برژینسکی، س ۸)

روزنامه ای.آد.ا. برژینسکی یک انتقاد جانانه و طنز آمیز از پاکسازی عوامل فلاق از ادارات مینویسد، و در همان سترن، زیر عنوان «ظ اذفا ک» و «اقبیت» جنگ رستان را به پای حزب توده ایران میگذارد.

روزنامه برژینسکی در یک مقاله بلندبالای «ستونی» به مارکسیسم، بننوان یکی از طبقات «مفصلر» با اساسی مذهبه بیتاز و مسورخین و دانشندان شوروی را به قلب و تعریف اسلام متهم میکند. برای این مقاله شهسعی و تحریک آمیز، چه عنوانی چابندتر و پر زرقو برقتر از «ایشن اسلامی و مسائل جهان معاصر»!

روزنامه برژینسکی یک مقاله جانانه و مفصل دیگر تحت عنوان «آکپود و خیم هاد خورگی در اتحاد شوروی» تقدیم خوانندگان خود میکند، و برای اثبات این مدعا، که از طرف کیتگی بوه، کتک گرفته، عکس از یک صدف طولانی و ناشخص زینتبخش مقاله «تحقیق و عبق» خود میکند و زیر آن می-نویسد:

«دو مصفاهی طولانی، ساتتها به انتظار دریاقت چیره فقای!»

روزنامه برژینسکی یک گزارش شش هفت سترنی، با «مکس و تیر» های متعدد، درباره «فازدیگ اشرافی و انفاهای طبقه حاکمه سرخ در شوروی و افکار آن» (۲) چاپ میکند، با چه مطالب مسیح و محیرالقولی:

- برزف ۳۰ خانه ییلاقی دارد.

- در شوروی پستهای اداری قابل خرید و فروش است.

- قصر خروشچف مانند موزه تاریخی بوه که در میان جنگل بنا شده و دارای استخر شیشه ای و سالنهای سینمایی و اسکله های خاص برای کشتی خصوصی بود.

و دریا کشف بریدل و ملسودگی بر اینرود...!

روزنامه برژینسکی در برابر آمریکا هم نمی-خواهد و نمی-تواند سکوت کند. شرط نفل و حرف روزنامه نویسی حکم میکند که حداقل ظاهر «دیر» طرفی به خود گرفت. اما مقالهای که درباره «مضور نظامی آمریکا در خاور نزدیک» است، تاگیان موضوع و هدف خود را گم میکند و ددرد و ساخت و پاخت و ایدر قدرتت با یکدیگر و قرارونداری آنها به قلب قرضای میردازد.

روزنامه برژینسکی یک تفسیر خیلی روشنگرانه هم در باب موضوع روز، یعنی وحدت سوریه و لیبی» مینویسد و این وحدت را آخرین کتیب دیکتاتورهای حاکم در سوریه و لیبی دربر میگیرد. موفقیت خود در برابر خواستهای مخالف مردم تحلیل میکند.

روزنامه برژینسکی تئیه هم به تاریخ میزند و زیر آرم هواپیما ایام ۳۵ قرن شاهنشاهی، از حیث برزف از طرح چابوزگرانه شاه بهچین و راصل شده، در اقبانس وقت، این اولین بار به استاد منابع مجهولالویه خیری برده میریادد.

خوب، نظر خان باجیع به روزنامه ای با این مستوری و رنگ آمیزی چیست! منکست بگوید: پس آمریکا چه؟ «امریالیستهای سوئی و طرار ادوایی و ژاپنی، که خدمت تمام جنایات شیطان بزرگانه، کجا هستند؟ چرا درباره آنها سکوت و با آنها همدردی میشود»

جواب قاطع اینست که: این حرفها را تزیید، که آقای برژینسکی سست میریزند، این توفات افرامی فقط مشلق به کومبیتت است! منکست بگوید: آخر اینهمه بیلبغ آشکار ضدکومبیتت و ضد کشورهای شرقی «جهان سوم»، افرام کاروری و دور از احتیاط است. با اینهمه جبهه، صت آقای برژینسکی خیلی زود دو میشود.

منکست بگوید: اینهمه بیلبغ حرمان و دشمنوار مجوسونهای پرورده شده در پتاکون و سیا و آژانسهای سیویلیتی دیکشماره روزنامه، آتمیک بک روزنامه ۸ صدسای، از بوئانهای تبلیغاتی هم غلوا میترق میشود. روزنامه، ظاهری هم که شده، باید کمی تعادل داشته باشد.

در اینجا جواب شما فقط یک روز خند است: میگوید این کار تندی است، چه ساده دلید! همه این مطالبی که به عنوان محتوای یک شماره از روزنامه برژینسکی آوردم، از روی شماره ۱۹ روزنامه میزانه نقل کردیم. تازه شماره ۱۹ میزانه چنین دیگری هم داشت، که کف ترانو را بیشتر بنفع برژینسکی سنگین میگرد، لوی ما دیدیم که نقل همه آنها دیگر شور قشیه را درمی-آورد!

منکست بگوید: در شماره ۱۹ «میزان»، شاید کنترل از دست آقای برژینسکی در رفته که قضایا اینچور رسوا کنند، آتایی شده است. این بار ما به شما اطمینان میدهم که بهیچوجه اشتباه و سوءتفاهمی رخ نداده. هر شماره «میزان» را که انتخاب کنید، یک «میزان» شماره ۱۹ است. فقط ظاهرتیرها و عکسها و تزئین صفاضت فرق میکند، ما بر هیچ تمدی شماره ۱۹ «میزان» را بننوان یک الگو و متشونه ترارور برژینسکی، میترانستیم و مبتوائیه هر شماره دیگری را که شما بخواهید، با آنعوض...

آیا این واقعتی هم صادقی است که، صد درصد گزارشها و تفسیر-های خارجی «میزان» و ۵۵ درصد خبرهای خاص آن را از خبرگزاریهای امریالیستی و سوسیالیستی و روزنامهها و مجلات امریکایی و انگلیسی و فرانسوی و آلمانی برمی-گرفته میشود! آیا اینهم صادقی است که از مجموع ۱۴ کاریکاتور منزل امیز - و اغلب لوس و نجیبی که در ۳۸ شماره «میزان» چاپ شده، ۱۲ تا از علیه کشورهای سوسیالیستی حزب توده ایران است؟! واقعا برژینسکی آگ در ایران روزنامه منتشر میگرد، دستبخش جن این فاشست؟

بچه از صفحه ۴

ما را فلق کرده است. ما باید با آمریکا وارد مذاکره بشویم و مسالمان را حل کنیم، اگر قرار باشد همه درها را بروی خود بپندیم که نشیوه! «ها خامی می-کنیم، از نظر سیاسی مشکلات خود را در نظر نمیگیریم...» (دکتر مسیحی، در جلسه حتمت سه رماه ۵۹ مجلس)

درباره آن انزوی گدازی، که لیبرالها آریا رود گرفته اند، تا از آن نتیجه دلخواه را بگیرند، اتفاقا سفیر مدمرد صد امریالیست «حکومت صد درصد خلقی و دموکرات، فیصلتق هم نظر مشترکی دادند «میزان» این نظر مشترقه را بننوان مصافحه اختصاصی با سفیر پاکستان در ایران» منکس میکند:

«ابرقدرت ها میگویند ایران را در جهان منزوی کنند و تا حد زیادی به موفق شده اند. روابط ایران با عراق، بحرین، کویت، عمان، ترکیه، عربستان سعودی و... (و حنا امریکه) به گونه ای نیست که بشود گفت حسن است... منزوی کردن شما چیزی است که دشمنانانتان میخواهند. هرچه ایران بیشتر منزوی شود، آنها بیشتر میتوانند از علیه شما کار کنند» (میزان، شماره ۱۸)

به این تریب، «میزان» کنگدگان خط لیبرالیسم از زبان سفیر فیصلتق، حرف دلشان را میزند: «دشمنان ما خواهان انزوی ما هستند. برای شکتین این انزوا باید دو به عراق، بحرین، کویت، عمان، ترکیه، عربستان سعودی و زیوسای نازیستی مانند اینها بیاییم. امریکا هم که بقول نماینده لیبرالیسم در مجلس، «ملاط مشکلات است، همه گرهها بست او پساز میشود، پس معلل چه هست؟!»

میبینید که بازی «فازوی بین المللی ایران» به کارگدانی ما رانه حضرات، به چه پایان خوب و خوشی میرسد، برده نمایشنامه مسیح قس و آشتی با آمریکا میاند، ما و امریالیسم آمریکا که بقول امام خمینی: «دشمن اصلی مستعد و همه مشکلات و مصائب ما از اوست» و «هواطه ما با او رابطه قائم با اسیر است»، دست در گردن هم، روی یکدیگر را می-بوسیم، ما میگوئیم گدشته گدشته، تو هم دست از امریالیست بردت بردار، تا سوه قافهما، کدرتت واقع شود. آخر ما دشمن مشترکی داریم، و امریالیسم نام، در نهایت حجب و حیا، «قول» مردانه میدهد:

امریالیستها حامیان انقلاب جهانی!

چشمبندی لیبرالها را دیدیم که چگونه در سطح سیاسی خود انقلاب فلسطین، سوریه، لیبی، بین ددگریا، ویتنام، کوبا و اتحاد شوروی را در مقابل و در ستاز به انقلاب ایران قرار میدهند، و بعد از انزوی ایران از کشورهای مجوسون عراق، کویت، عمان، ترکیه و عربستان سعودی مینانند چشمبندی این سآخران را دیدیم که، امریکه را بهستان مشک-گسای همه مسائل با جا زهد و با انواع دوز و کلک، بیست انقلاب را با «فیصلان زند»، راه برود رفت نماز فلق انصافیه و «فازوی بین المللی ایران» خوانند! چشمبندی آنها را دیدیم که با بهروایی، حتی از قول امام خمینی، دست به چیل زدن که «باید افکار عمومی را برای اتمام رابطه با آمریکا آماده کرد» (میزان، شماره ۱۱، فلق منکسب بازرگان در مجلس)...

اما این چشمبندی اجزاء دیگری هم دارد. اگر قرار است چسای کشورهای فساد امریالیست و مترقی را در کنار ایران انقلابی با امریالیستها و نوجوهای جعلی ایام عوض کرد، پس لازم است، هم برای امریالیستهای جهانخواه و هم گزهاهی آنان، پنخوری از انام کب وجه کرد. ارگان لیبرالها، که درستی را از بر است، سرود و ثنا را بسوی امریالیستهای اروپایی و ژاپنی سرارزی میکند و دلوزبهای آنها را برای کشورهای جهان سوم، دشمن قدرنایی میانشاند. «میزان» استقلال ملی ژاپن را در برابر آمریکا، مدخو بزرگ برای کشورهای خاورمیانه میخواند، و مدعی میشود: «امریکا ژاپن را بخاطر سیاستهای فساد امریالی و مواضی که به قلع افرام اتفاق کرده، سخت در فشار قرار داده است» (میزان، شماره ۲۷)

و سرانجام رفته کلام را به این رخدود و نصبت میگرد که: «جهرا کشورهای خاورمیانه از نیروی عظیم ژاپن برای رهائی قس میتریز استفاده میکنند» (میزان، شماره ۲۷)

ملاحظه می-کنید که، در یک چشم برهم زدن، ژاپن امریالیست در میان صنفا «میزان» به چاهه استقلال، به یاور انقلاب جهانی و دوست بزرگ «کشورهای خاورمیانه» و بعد ناگزیر ایران، بدل میشود. فرانسه امریالیست ددخور سهر و لطف می-تورد و نویسنده «میزان»، از اینکه به غیر بخاطر فرانسه فطرتنند آفرینیها و ددوغبانیهای سکر در سکرش دستور داده شده «بساط خود را هرچه زودتر در مملکت ما جمع» و گوش را گم کند، حیرتزد و آشتی میشود و به دست و پا میبازد که: «شاید هم سوء تفاهم باشد. آخر ما با فرانسه روابط پتری داریم. این قضیه از کجا آید میخواند» (میزان، شماره ۱۸)

آیا این واقعات سجد کتربین نیازی برای تفسیر و توضیح محتوای سیاست اصلی و مکتوبات لیبرالیستی مترقی ایرانی بانی میگذارد؟ آیا مسوودها و صبیاحتزاده و امریانیها و بیشرافانها و اولاد، اگر هنوز در میدان بودند و روزنامه منتشر میگرد، دستبخش جن این داشتند؟

یک شماره از روزنامه برژینسکی

چشمبیش نامه مردم در مقاله طنز آمیزی نوشته بود: «فاز برژینسکی در ایران روزنامه منتشر میگرد، این روزنامه چگونه بوده با یک شماره از این روزنامه برژینسکی ما، را، در شرایط کنونی ایران، در نظر می-آوریم، تا که به علی غن آشکار شود»

مذکره ای.آد.ا. برژینسکی توبسب میکند: ما باید با آمریکا حنا واتر مذاکره بشویم، و این تریب ددخور صنف اول است.

روزنامه برژینسکی در سرمقاله خود مستقیم و غیرمستقیم های شرق و بخصوص اتحاد شوروی را در جنگ ایران و عراق پیمان میکند و زیر لوی «فوق ابرقدرتها» کاسه کوزها را بر سر شترقه می-شکند و سوسیالیسم انقلابی را امریالیسم دیگری میخواند و نامید میکند.

روزنامه برژینسکی یک مطلب موثر از سازمان سیا ساخته صسر

قطب زاده بار دیگر بر ضد خط امام قیام کرده است

روزنامه «اطلاعات» (۲۴ مهر ماه ۱۳۵۹، ص ۱۰) خبر میدهد که صادق قطبزاده، در یک مساحه اختصاصی با «پول» یورگنس، خبرنگار روزی، مطلبی اظهار داشته که در شماره ۱۰ اکتبر ۱۹۸۰ روزنامه «داگلات» چاپ اسلو منتشر شده است. متن کامل گزارش واصله از مساحه قطبزاده بقرار زیر است:

... صادق قطبزاده وزیر خارجه پیشین ایران در مساحه پسا روزنامه «داگلات» چاپ اسلو گفت: دولت ایران که به خاطر جنگ با عراق قابل سرزنی است، باید فوراً گسروگانهای آمریکایی را آزاد کرده، و به دلیل برقیات گرفتار رود. دولت ایران مسئول عدم رهبری صحیح نیروهای مسلح، و نیز مشکلات اقتصادی و اجتماعی است، و این خود برآورد امکان داد با ایران حمله کند.

قطبزاده که اینک در تلاش انتشار روزنامه «بنام و بضر» در تهران است، به خبرنگار روزی گفت: عراق زمان درست را برای حمله انتخاب کرد. وی در مساحه خود افزوده، انتظار چنین حمله‌ای را داشته، تا کنون نه باین زودی (!) قطبزاده تأکید کرد: ما نباید سیر کنیم تا آیت‌الله خمینی رحلت کند و

تجدید پیمان از سنگرهای رزم با افسران شهید توده‌ای * ۲۶ سال از سالروز شهادت اولین گروه افسران شاخه نظامی حزب توده ایران گذشت

۲۷ مهر، بیست و ششمین سالگشت شهادت گروه اول افسران غشو شاخه نظامی حزب توده ایران است.

۲۶ سال پیش در سحرگاه خونین چنین روزی، رژیم تبهکار پهلوی، که بعد از کودتای آمریکائی ۲۸ مرداد تصمصیم گرفته بود پایه‌های سلطنت خود را بر خون زبندگان راه استقلال و آزادی ایران استوار کند، ۹۹ نفر از افسران غشو شاخه نظامی حزب توده ایران و یک رفیق شاعر را به جرم «اعدام سپرد».

در سحرگاه ۲۷ مهرماه ۱۳۳۳ دژخیمان شاه برهیکر قهرمانی رفت:

- ستوان یکم عباس اراخته
- سرهنگ ژاندارمری عزت‌الله سیامک
- سروان شهربانی نورالله شفا
- سرهنگ دوم نعمت‌الله عزیزی
- مهندس و شاعر مرتضی کیوان
- سرهنگ دوم محمدعلی میثری
- سروان شهربانی نظام‌الدین مدنی
- سروان شهربانی محمدعلی واعظ قائمی
- سرگرد حقوقدان هوشنگ وزیریان
- آتش کشوند، رفقای توده‌ای در آن سینه‌دم خونین با فریادهای:

«مرگ بر شاه!»
«زنده باد حزب توده ایران!»

و با این ایمان به صف طولی شهدای حزب توده ایران، این شهدای راه آزادی وطن از سلطه استبداد و امپریالیسم پیوستند که بر بستر خون آنها مشت‌های خلق یگانه خواهد شد و بساط ننگین سلطنت و سلطه امپریالیسم را فرو خواهد ریخت. تاریخ بر همان راستا رفت که شهدای توده‌ای خود را خود را

فردا (دوشنبه) نامه مردم منتشر نمیشود

**در جنگ
عادلاننه بر ضد
رژیم صدام
حسین و برای
دفاع از میهن
انقلابی شرکت
کنیم!**

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

از بندرعباس ۴۰۰۰۰ ریال
مادر ۵۰۰۰ ریال
از قزوین ۵۰۰۰ ریال
از بندرعباس ۴۰۰۰۰ ریال
مادر ۵۰۰۰ ریال
پ.م ۲۰۰۰ ریال
ف.ع ۱۰۰۰ ریال

علاقتمندان می‌توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام آقای کرمی‌نوشهر شماره ۳۳۳۳۳، شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه شام‌اسماعیل صنوی)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی بپردازند.

ناراض کردند. امروز، در سالروز شهادت این رفقاء نسل‌توین توده‌ای‌ها در سنگرهای رزم با امپریالیسم، پس‌گردگی امپریالیسم آمریکا، راهشان را برای آزادی کامل وطن از سلطه امپریالیسم ادامه می‌دهند.

نسل نوین توده‌ای‌ها، که حماسه رزم و شهادت را از اسلاف تهرمان خویش به میراث برده‌اند، یاد دیگر پیمان‌خویش را با افسران شهید توده‌ای تجدید می‌کنند که تا آخرین قطره خون خویش را نثار آزادی میهن انقلابی از سلطه امپریالیسم جهانی، پس‌گردگی آمریکا و دفاع از جمهوری اسلامی ایران کنند.

خامسه، منتقد است که برای تشکیل دولت تازه «باید سیر کرد تا آیت‌الله خمینی رحلت کند».

خلاصه این نظرات قطبزاده اینست که: از مخالف خط امام است، مخالف سیاست جمهوری اسلامی ایران است و مخالف روح انقلاب شکوهمند ایرانی است.

و اینکه: یا وجود امام خمینی و اختیاراتی که قانون اساسی به ایشان تفویض کرده، قطبزاده از چه راهی می‌خواهد دولت تازه تشکیل گردد؟

بنظر ما قطبزاده آن اهمیت را ندارد که کسی وقت خود را صرف خواندن و تعبیر گفته‌های وی کند. ولی از این لحاظ که بداییم چه کسی نزدیک یکسال و نیم خود را در حساس‌ترین سببهای سیاسی و دولتی جمهوری اسلامی ایران بجا داده بوده تمق درباره مساحه نامبرده غروروت دارد.

و حال این باید دانست که، آن کسی که با انتشار روزنامه جدید می‌خواهد به انتشار این افکار ضدانقلابی در جامعه ما ادامه دهد، دارای چه سوابقی است. می‌توان تصور کرد که این شخص در سمت رئیس رادیسو تلویزیون چه کارها کرده است و در مقام وزیر خارجه چگونه در تخریب مواضع جهانی جمهوری اسلامی ایران کوشیده است.

وحدت خلق...

پایه از صفحه ۱

را در آغوش گرفتند. صحنه خیابانی در آن نبرد دشوار، سنگر واحد تمامی مردمی بود که لیدر استقلال و آزادی کشورشان بسته بودند. در این نبرد سرنوشته‌ساز، کسی از کسی برسیه که: هم‌زمن من! موضع سیاسی تو چیست، از کجا آمده‌ای و طرفدار کدام مکتب هستی؟ امر مشترک همه نیروهای زبندمه، سرنگونی شاه ملون و ایجاد حکومت مستقل مردمی بود و در این راه، همه مردم، صرف نظر از عقیده و مذهب و جنس، در کنار هم جنگیدند، در کنار هم زخوب‌داشته و خونشان در جویباری واحد روان شد.

شروع جنگ تحمیلی از سوی رژیم چابک‌ساز صدام حسین و بظن اوقاتند استقلال و تمامیت کشور از حساب امپریالیسم متجاوز آمریکا، یاد دیگر تمامی مردم میهن‌دوست را به دور هم گرد آورد و در سنگر واحد یکبار قرار داد. نثارهای عقیدتی و مسلکی، که در بیست ماه پس از انقلاب، آگاهانه و ناآگاهانه غلظت پذیرفته و جای بر حل مسائل مهم انقلاب تنگ کرده بود، با آغاز جنگ رنگ باخت و جای خود را به همدلی و همیاری و همگامی مردمی داد که، صرف نظر از افتخارات مسلک‌شان، استقلال کشور خود و حفظ جمهوری اسلامی ایران را چون مردمک چشم عزیز می‌دارند، و در این امر متراکم میهنی، آماده برای همه گونه فداکاری و ایثار هستند.

مرد محروم و امپریالیسم زده ایران، که با انقلاب پرشکوه خود نمونه‌امجاب است و ستایش‌انگیزی از پایدار و ایثار به‌جانبان ارائه دادند، باردیگر در این جنگ میهنی، چشم به‌جانبان را بنفوذ خیره‌ساخته‌اند: آمادگی عوسمی برای

انجام به جبهه، خوارسردن هستی‌خویش و عزیزداشتن اهداف انقلاب، پذیرش دشواری‌ها و حرمان‌ها برای نبرد طولانی با امپریالیسم، پس‌گردگی امپریالیسم آمریکا، قبول کار بیشتر و تولید بیشتر برای تحکیم بنیه اقتصادی کشور در برابر دشمن، همه و همه آئین‌روی نهفته در توده‌های مردم است که این بار نیز با درخشندگی خاصی، امجاب به‌جانبان را برانگیخته‌است. صرف نظر از یک اقلیت ممتاز غرقه در ابتذال، که تاب کمترین صحریت ندارد، خون خود را رنگین تر از دیگران می‌ندارد و جز رفاخ خود به چیزی نمی‌اندیشد، و گروهی بی‌اهمیت خرابکاری که زیر پرچم مائولیس در سراسر دوران پس از انقلاب سرگرم اختلال بوده و اکنون بزولانه خود را کنار کشیده و جنگ میهنی ما را «جنگ ابرجانی» نام نهاده است، کل مردم، چنان درجه عالی از میهن‌دوستی از خود به نمته بروز آورده‌اند، که بحق موجب افتخار کشور بلاکشیده ما در جهان است و دیای مترقی با ستایش و احترام از آن یاد میکنند.

علیرغم برخی از دستهای انحصارطلب، که هنوز اینجا و آنجا در کار وحدت خلق و آمادگی توده‌ها برای شرکت در جنگ میهنی اختلال میکنند و تفریق روا میدارند، روند یکبار خونین در جبهه جنگ جنوب، در شهرهای خرمشهر، آبادان، اهواز، ذوقل، سوسنگرد به روشنی نشان می‌دهد که، مردم یکپارچه متحد در کنار هم می‌جنگند و چیزی که بهیچرو در ذهنشان نمرخله قاتل‌های عقیدتی و مسلکی است، برای این مردم زرمندۀ ایثارگری، آنچه مطرح است، دفاع جانانه از میهن انقلابی، استمرار انقلاب و پایداری نظام جمهوری اسلامی است، که برای مردم محروم این مرز و بوم، استقلال و آزادی پسرانه آورده

این نحوه برخورد انقلابی با مسائل مهم مملکتی، باید برای حاکمیت انقلاب و همه سازمانهای سیاسی تجربه آموز باشد، و وحدت خلق از پائین و در میان توده‌ها، بوجدت‌متشکل سازمان یافته در بالا و در میان تمامی نیروها و سازمان‌های انقلابی، ارتقا یابد.

شاید در این امر، امروز دیگر کمترین تردیدی نباشد که، اگر تشکیل جبهه متحد خلق در دوران پس از انقلاب مورد آئینه انگار و کارشکنی عمدی و می‌ماند، امروز قدرت شکر و فکر و تصمیم‌گیری جمعی، و اشتراک‌مساعی همه نیروهای سیاسی مدافع انقلاب و نظام جمهوری اسلامی، بر سر برنامه عمل‌متراکم کارائی ما را در نبرد علیه امپریالیسم فدار آمریکا صدچندان کرده بسود، هنگی مترفند که فرمان تاریخی امام خمینی در تشکیل شورای دفاع موجب ایجاد هماهنگی میان نهادهای شرکت کننده در نبرد علیه تجاوزگران صدامی است و تأثیر و کارائی نیروهای زرمندۀ رایه دریخت والا تری ارتقا خواهد داد. بچین ترتیب است وحدت عمل تمامی خلق در بهیشتراهدان انقلاب، تصمق و گسترش آن، زیرا اینجا جبهه وسیع تری از نبرد علیه امپریالیسم، پس‌گردگی امپریالیسم آمریکا است و در این جبهه گشاده، وحدت عمل نیروها بهترین ضرورت است تا کارائی ما را در جبهه نبرد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی علیه امپریالیسم، پس‌گردگی امپریالیسم آمریکا، افزایش دهد، از شور و هیجان سازد و راه دشوار مبارزه را آسان‌تر و کوتاه‌تر سازد.

باید روزی که جبهه متحد خلق، بتواند مظهر وحدت متشکل خلق، تحقق یابد.

نامه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر پیرزادی

خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸

(دفتر نامه مردم)
هوز در اختیار
نامه مردم نیست

NAMEH MARDOM
No. 361
19 October 1980

Price:
West-Germany 0.80 DM

France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی می‌توانند به آدرس زیر با نامه مردم مکاتبه کنند:

صندوق پستی ۴۱/۳۵۵۱، منطقه ۱۲ پستی تهران

تصحیح

فردی بنام ناصر صادقی طی نامه‌ای خطاب به نامه مردم، ضمن اشاره به مطلبی در شماره ۳۴۷ نامه مردم، اعلام کرده است که برادر دکتر علی صادقی، از رهبران گروهک ضدانقلابی - مائوئیستی در ایران نیست، ضمن اعلام این مطلب، متذکر می‌شویم که وی پسرعموی دکتر علی صادقی است.